

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الگوی اهتمام جمعی در مدیریت تربیتی

در قالب شورای تهذیب و تربیت مدارس علمیه

مجد عالمزاده نوری - مهدی عبداللہی

بہمن ماہ ۱۳۹۹

فهرست مطالب

۹	رادمردان.....
۱۱	اسلام و فتح جهان.....
۱۲	تکلیف ما.....
۱۶	جبهه مؤمنان.....
۱۷	بحران نیروی انسانی.....
۱۹	هر طلبه؛ یک کلان پروژه.....
۲۰	دست بسیار.....
۲۲	مدیر.....
۲۳	معاون تهذیب.....
۲۴	سایر معاونان.....
۲۴	اساتید.....
۲۶	مشاور.....
۲۸	کارشناسان مدعو.....
۲۸	طلبه.....
۳۰	فلسفه و ثمرات شورای تهذیب و تربیت.....
۳۰	۱. همراهی در تربیت طلبه.....
۳۱	۲. همفکری و امکان دستیابی به ایده‌های برتر.....

سرشناسه	: عالم‌زاده نوری، محمد، ۱۳۴۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: الگوی اهتمام جمعی در مدیریت تربیتی در قالب شورای تهذیب و تربیت مدارس علمیه/ محمد عالم‌زاده‌نوری، مهدی عبداللهی؛ به سفارش و نظارت معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه.
مشخصات نشر	: قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۳ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۷۷-۳۱-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب حاضر با حمایت دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی، معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه قم منتشر شده است.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: حوزه‌های علمیه -- ایران -- برنامه‌ریزی *Islamic theological seminaries -- Iran -- Planning
موضوع	: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، معاونت تهذیب، شورای تهذیب و تربیت -- برنامه‌های فرهنگی عبداللهی، مهدی، ۱۳۶۰ -
شناسه افزوده	: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، معاونت پژوهش، دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی
شناسه افزوده	: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، معاونت تهذیب
شناسه افزوده	: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت
رده بندی کنگره	: ۴/BP۷
رده بندی دیویی	: ۰۷۱/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۸۴۸۴۳۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

عنوان: الگوی اهتمام جمعی در مدیریت تربیتی در قالب شورای تهذیب و تربیت مدارس علمیه



انتشارات: ۰۲۵-۳۷۷۳۵۵۴۷-۲۷۷۳۵۵۴۷
مؤسسه انتشارات حوزه‌های علمیه
تلفن تماس: ۰۲۵-۳۷۷۴۵۴۷۳-۳۷۷۳۰۸۶۰
نشانی فروشگاه اینترنتی
www.NashreHowzeh.ismc.ir
نشر حوزه در ایستا و اینستاگرام
@Nashre_Howzeh

به سفارش و نظارت معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه
مؤلف: محمد عالم‌زاده‌نوری - مهدی عبداللهی
ناشر: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۷۷-۳۱-۹
طراحی جلد: مالک شریعت ناصری
صفحه آرایی: مهدی اسماعیلی

تمامی حقوق برای معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه محفوظ است



این اثر با حمایت «دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی»
معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه چاپ شده است.



۳۲	۳. همدلی و ایجاد شور تربیتی بیشتر
۳۲	۴. هم‌زبانی و هم‌نوایی
۳۳	۵. ایجاد دغدغه فعال
۳۴	۶. ارتقای جایگاه تهذیب
۳۴	۷. استقلال در کار تربیت
۳۶	۸. دستیابی به قدرت اقتناع
۳۷	۹. آموزش و تربیت نیرو
۳۷	تسری به سطح طلاب
۳۸	شورای تهذیب چه چیز هست؟
۳۹	شورای تهذیب چه چیز نیست؟
۴۱	موضوعات گفتگو در شورای تهذیب
۵۰	اولین جلسات شورای تهذیب
۵۰	ملاحظات اجرایی شورای تهذیب
۵۴	شیوه گفتگو و تفکر در شورای تهذیب
۵۴	الگوی منطق صوری
۵۶	الگوی برنامه‌ریزی راهبردی
۵۷	۱. وضعیت مطلوب
۵۸	۲. وضعیت موجود
۵۸	۳. راهکارهای رسیدن از موجود به مطلوب
۵۹	نظام موضوعات
۶۰	نمونه‌ها
۷۶	آسیب‌شناسی و مدیریت بحران
۸۱	پیوست یکم: منابع مطالعاتی



۷	۸۳	هویت طلبگی
	۸۶	طلبه؛ اخلاق و خودسازی
	۸۷	طلبه و علم‌آموزی
	۸۹	طلبه و انقلاب اسلامی
	۹۰	طلبه و رسالت‌های اجتماعی
	۹۰	طلبه و زندگی خانوادگی
	۹۱	کتاب‌هایی برای اساتید
	۹۱	کتاب‌هایی برای مدیران مدارس
	۹۲	کتاب‌هایی برای مسئولان و کارگزاران حوزه
	۹۴	سخن پایانی
	۹۵	پیوست دوم: روشی برای نوآوری در محتوا
	۹۶	گام اول: جمع‌آوری داده‌ها
	۹۷	گام دوم: ساماندهی داده‌ها
	۹۸	گام سوم: داوری عاطفی درباره دیدگاه‌های موجود
	۹۸	گام چهارم: غربالگری یا کشف کاستی‌ها
	۹۹	گام پنجم: اندیشه درباره پاسخ‌های نو و حرف جدید
	۱۰۰	جمع‌بندی
	۱۰۱	منابع

تزکیه و تعلیم انسان غایت بعثت انبیاست و حوزه‌های علمیه کانون پرورش انسان‌هایی است که مسئولیت تعلیم و تزکیه انسان‌ها را به دوش می‌کشند و در عصر غیبت پیامبران بزرگ الهی پا جای پای آنان می‌گذارند. حوزه‌های علمیه در کارنامهٔ بیش از هزار سال فعالیت خود شخصیت‌های برجسته و ستارگان ممتازی به بشریت تقدیم داشته که تاریخ و جغرافیای انسانی تحت تأثیر شخصیت و فعالیت آنان به خود می‌بالد و از همت و مجاهدت آنان رنگ نور و روحانیت و معنویت گرفته است. عالمان پارسا و عناصر کارآمدی مانند رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، امام خمینی رحمته‌الله، شهید بهشتی رحمته‌الله، ملاصدرا رحمته‌الله، فیض کاشانی رحمته‌الله، شیخ بهایی رحمته‌الله، خواجه نصیرالدین طوسی رحمته‌الله، شیخ مفید رحمته‌الله که عمر خود را در گسترش تعلیم دینی و تربیت اخلاقی - معنوی تودهٔ انسان‌ها صرف کرده و آثار پربرکتی برای نسل‌ها و عصرها به یادگار نهادند.

رادمدان

امروز نیز چشم امید همهٔ مصلحان دردآشنا به حوزه‌های علمیه دوخته شده که با پرورش نیروی انسانی کارآمد، دردهای کهنه بشریت را التیام بخشند و گره‌های کور انسان غم‌زدهٔ امروز را بر اساس آموزه‌های دین مبین خاتم به‌دستان کارگشای خود بگشایند.

اگر امید داشته باشیم که کارگاه پرورش چنین انسان‌هایی دایره و مسیر تربیت



آنان هموار است، می‌توان صبر کرد و دندان بر جگر نهاد؛ ۵ سال دیگر، ۱۰ سال دیگر، ۱۵ سال دیگر... تا شمار فراوانی از این نیروهای کارآمد در اختیار جامعه قرار گیرند و این سنگرهای خالی را پر کنند، این دردهای بزرگ را درمان نهند و این راه‌های ناپیموده را بیمایند.

همه نگاه‌ها در پدید آمدن این انسان‌های بزرگ به سوی حوزه است. هیچ نهاد و سازمان دیگری این نیاز را برآورده نمی‌سازد و قابلیت تولید و تکثیر این رادمردان را ندارد. بی‌شک نظام تربیتی حوزه‌های علمیه از پدید آوردن چنین انسان‌های بزرگی عقیم نیست و هم‌چنان پنجره‌های امید برای تابش این نور باز است و به لطف مجاهدت امام و امت و جان‌بازی شهیدان فداکار و نیز آرامش نسبی حوزه‌های علمیه پس از انقلاب، امید پدید آمدن چنین اعجوبه‌هایی بیشتر شده و به تبع آن تکلیف و مسئولیت ما در پرورش این انسان‌های بزرگ افزایش یافته است.

بی‌تردید نمی‌توان منتظر یک تصادف بزرگ برای پدید آمدن این ستارگان درخشان ماند و همه چیز را تنها به عنایت الهی یا تصادف واگذار کرد! بدون برنامه‌ریزی و اقدام، احتمال پیدایش این کسان بسیار کم است. باید تلاشی کرد و حرکتی...

باید طلبه جوان امروز را دید؛ طلبه جوانی که تأثیرپذیرترین و آماده‌ترین کس برای دریافت این تربیت و تأثیرگذارترین شخص برای فردای جامعه است. باید این جوان آماده را به دانایی و ایمان و اراده و اخلاص و تجربه و مهارت تجهیز کرد و تأسیسات روحی و روانی او را برای انجام آن مأموریت بزرگ الهی افزود و توان او را برای ایفای نقش تأثیرگذار اجتماعی و خدمت مجاهدانه بی‌مزد و منت آماده ساخت.

در این مسیر - بر اساس سنت الهی در نظام اسباب و مسببات - هرچه بیشتر تلاش کنیم و استقامت ورزیم و هرچه بیشتر فکر و زمان و سرمایه صرف کنیم بیشتر نتیجه می‌گیریم و هرچه بیشتر مسامحه کنیم و به برنامه‌های جانبی کم‌فایده



دل خوش سازیم بیشتر محروم می‌گردیم.

به این همه بیفزاییم که دشمنان دین و آیین و فرهنگ اسلام نیز همین‌گونه می‌اندیشند و برای مقاصد ناپاک خود دست‌ان توانا و نامردان کارآمدی جستجو می‌کنند و در تربیت آنان سرمایه‌گذاری می‌کنند. این بدان معناست که هر لحظه توقف ما در این رقابت سنگین، عقب‌نشینی و خسارت است.

اسلام و فتح جهان

امام راحل در پیام تاریخی برائت (۱۳۶۶ / ۵ / ۶) به ملت نوحاسته ایران نوید دادند: «من با اطمینان می‌گویم اسلام ابرقدرت‌ها را به خاک مدلت می‌نشانند، اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد».^۱

این فرمایش امام راحل، تفسیر و ترجمه چند آیه قرآن است. از جمله: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۲. خدای متعال پیغمبر، دین، هدایت، قرآن، وحی و شریعت فرستاده است که در جهان اتفاقی بیفتد و غایتی محقق شود. آن غایت در این آیه مبارک، روشن، بی‌تعارف و صریح بیان شده است: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ». مقصد این است که این دین بر همه ادیان غلبه کند و روزگاری فرا رسد که مکتب اهل بیت بر تمام زمین حاکم شود. امام این مکتب، امام کل زمین باشد، تمام نهادهای بین‌المللی و سازمان‌های جهانی به دست مبارک او و با امر و تأیید او تشکیل شود و ادیان دیگر ذیل حکومت او قرار گیرند.

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۲۵.

۲. سوره توبه، ۳۳.



یکی از دوستان فاضل که به عنوان نماینده مکتب تشیع در نمایشگاه ادیان استرالیا شرکت کرده بود می‌گفت: در آن نمایشگاه علاوه بر مکتب تشیع حدود ۷۰۰ دین و آیین دیگر غرفه داشتند و خود را عرضه می‌کردند. طبق این آیه مبارک، مکتب اهل بیت باید جهان‌گیر شود و بر همه آن ۷۰۰ آیین غلبه کند.

در آیات دیگر قرآن هم آمده است:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱

«إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۲

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۳

زمین به طور مطلق در اختیار بندگان شایسته و متقی قرار خواهد گرفت. چنانچه در روایات معصومان هم آمده است: «الإِسْلَامُ يُعْلَوُ وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ»^۴؛ اسلام دست برتر را دارد و هیچ چیز بالاتر از آن نیست.

تکلیف ما

ظاهر این آیات و روایات خبر است؛ ولی حقیقت آن است که در این بیانات نوعی انشا نیز نهفته است. خدا می‌فرماید من این کار را می‌کنم، اسلام این گونه هست؛ اما علاوه بر این نوید الهی، نوعی تکلیف و مسئولیت نیز برای مؤمنان رقم خورده است؛ یعنی مؤمنان باید این کار را بکنند و این مطلوب را پدید آورند. منظور این

۱. سوره انبیاء، ۱۰۵.

۲. سوره اعراف، ۱۲۸.

۳. سوره قصص، ۵.

۴. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۴.



نیست که بنشینید و بنگرید و منتظر باشید تا خدا کار خود را پیش ببرد و این دین را بر همه ادیان غلبه دهد! این تفسیر، یک تفسیر بنی اسرائیلی است! زمانی که حضرت موسی به بنی اسرائیل دستور حرکت داد گفتند: «فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^۱.

پس این گزاره‌ها صرفاً حصولی و تکوینی نیست؛ تحصیلی و تشریحی نیز هست. صرفاً از مقوله «هست» نیست؛ «باید»ی نیز در دل دارد. خدا ما را به یاری طلبیده و از ما استمداد می‌کند که به نصرت او و یاری دینش و اولیایش حرکت کنیم و سربازان این کار شویم.

نصرت خدا تلاش برای تحقق اراده‌ی خدا است؛ یعنی تلاش کنیم آنچه خدا خواسته است را جاری و محقق سازیم؛ البته اگر ما در این میدان بمانیم و خدا را یاری کنیم خدا هم ما را یاری خواهد کرد: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^۲، «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۳

بنابراین اگر سؤال شود فاعل این امر که «اسلام سنگرهای مهم جهان را فتح خواهد کرد» کیست؟ یک گزینه این است که بگوییم فاعلش خدا است؛ زیرا فرموده است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۴. احتمال دیگر این است که خدا این کار را با همراهی پیامبران و امامان انجام می‌دهد و نیازی به حضور ما نیست. این دو گزینه صحیح نیست. خدای متعال در عالم اختیار و اراده انسانی این کار را به تنهایی یا صرفاً با همراهی پیامبران پیش نمی‌برد.

گاهی گمان می‌شود که ما باید منتظر بمانیم تا امام زمان علیه السلام جهان را اصلاح

۱. سوره مائده، ۲۴.

۲. سوره محمد، ۷.

۳. سوره حج، ۴۰.

۴. سوره حجر، ۹.



کند! درحالی که اگر بنا بود آن حضرت به تنهایی این کار را انجام دهد، این همه توقف و معطلی نمی داشت. بیش از هزارسال پیش تشریف می آورد و با فوت و دست عنایت یا با گوشه چشم و فیض روح القدس، همه عالم را گلستان می کرد. اگر قرار بود یک نفر به تنهایی اسلام را حاکم کند نوبت به امام زمان هم نمی رسید. شخص پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله با قدرت غیبی، دست عنایت، نگاه مرحمت، نظر لطف و مانند آن همه انسان ها را سلمان و ابوذر و همه عالم را اصلاح می کرد و این همه ظلم و فسق و شرک و کفر و فساد و تبعیض و بدبختی و گرسنگی را باقی نمی گذاشت. حتی اگر قرار بر این بود، نوبت به پیامبر خاتم هم نمی رسید؛ عیسی مسیح علیه السلام با دم مسیحایی خود، این کار را انجام می داد. و چه بسا نوبت به او هم نمی رسید خود خدا با مشیت کن فیکونی این کار را می کرد، و نیاز به فوت و دست عنایت هم نداشت! «وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ»^۱ اگر می خواست همه را هدایت می کرد. «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا»^۲ با مشیت خدا همه انسان ها به انسان های کامل نورانی و مؤمنان هدایت یافته تبدیل می شدند.

حق این است که این مهم با همت مؤمنان صورت می گیرد.

هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ^۳
 يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ^۴
 لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ
 النَّاسُ بِالْقِسْطِ^۵

۱. سوره نحل، ۹.

۲. سوره یونس، ۹۹.

۳. سوره انفال، ۶۲.

۴. سوره انفال، ۶۴.

۵. سوره حدید، ۲۵.



وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِثِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَاثُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ^۱
 و مؤمنان باید اراده خدا را محقق کنند و به یاری خدا آیند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ»^۲.

این آیه در سوره صف کمی بعد از آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» قرار گرفته است؛ یعنی اگر قرار است دین خدا غلبه کند باید مؤمنان در میدان باشند و دین را یاری کنند.

«كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ»^۳ کما اینکه حضرت عیسی مسیح علیه السلام هم با اینکه می توانست مرده را زنده کند برای اجرای حرکت اجتماعی خود مقابل جمعیت ایستاد و فرمود: «مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ؟» حواریون گفتند: «نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ» ما به یاری خدا می آییم. حواریون می دانستند که یاری ولی خدا، عین یاری خداست. عیسی می گوید به یاری من در مسیر خدا بیاید. آنها گفتند ما به یاری خدا می آییم.

آنگاه مردم دو گروه شدند: «فَأَمْنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ»^۴ عده ای ایمان آوردند و با عیسی علیه السلام همراه شدند، عده ای هم کفر ورزیدند و در مقابل آن پیامبر الهی قرار گرفتند: «فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ» خداوند می فرماید ما مؤمنین را بر کافرین تأیید کردیم؛ یعنی امدادهای آشکار و غیبی خود را نصیب آنها کردیم: «فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ» و آنها غالب شدند. پس اگر بخواهید غالب شوید و «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» رخ دهد نباید منتظر بنشینید. با تلاش و اراده و با نصرت دین خدا و ولی خدا تأییدات الهی را دریافت کنید تا این غلبه اتفاق افتد.

۱. سوره آل عمران، ۱۴۶.

۲. سوره صف، ۱۴.



البته این حرکت بزرگ جهانی به صورت فردی پیش نخواهد رفت. با یک حرکت ایمانی گسترده به صورت جمعی، تشکیلاتی و امتی محقق می‌شود؛ یعنی مؤمنان باید به ید واحد و پیکره یکپارچه تبدیل شوند و برای انجام یک عملیات گسترده در مقابل دشمن، جبهه واحد باشند. به بیان دیگر خدا و امام زمان این کار را به تنهایی انجام نداده‌اند؛ ما هم گمان نکنیم که می‌توانیم این کار را به تنهایی انجام دهیم.

امیرالمؤمنین می‌فرماید: «وَلَيْسَ امْرُؤٌ - وَ إِنْ عَظُمَتْ فِي الْحَقِّ مَنَزَلَتُهُ وَ تَقَدَّمَتْ فِي الدِّينِ فَضِيلَتُهُ - بِفَوْقِ أَنْ يُعَانَ عَلَى مَا حَمَلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ؛ وَ لَا امْرُؤٌ - وَ إِنْ صَغُرَتْهُ النَّفْسُ وَ اقْتَحَمَتْهُ الْعُيُونُ - بِدُونِ أَنْ يُعِينَ عَلَى ذَلِكَ أَوْ يُعَانَ عَلَيْهِ»^۱ یعنی هیچ کس - هر چند جایگاه او بزرگ و ارزش او در دین بالا باشد - بی‌نیاز نیست که او را در انجام حق یاری رسانند و هیچ کس گرچه مردم او را خوار شمارند و در دیده‌ها بی‌ارزش باشد، کوچک‌تر از آن نیست که کسی را در انجام حق یاری کند، یا دیگری به یاری او برخیزد. تحقق عبادت شایسته خدا در روی زمین، صرفاً به وسیله اولیای خدا و سلسله‌ی انبیا و ائمه ممکن نیست؛ اگر می‌خواهیم خدا در طرازی که حق اوست در جهان پرستش شود، باید همه آحاد مردم به این کاروان وارد شوند.

در سیستم‌های یکپارچه گاهی اگر یک جزء کار خود را خوب انجام ندهد آن سیستم از حرکت باز می‌ماند. در یک اتومبیل اگر همه اجزا سالم باشند اما یک چرخ نباشد یا حتی لوله بنزین که ارزش زیادی هم ندارد نباشد سیستم متوقف می‌شود. ما هم در یک سیستم هستیم و باید با یک حرکت یکپارچه و تعریف شده و با همراهی انسان‌های بزرگ، رخداد بزرگی را رقم بزنیم.

۱. نهج البلاغه: خطبه ۲۱۶.



همه ما در تجربه فعالیت‌های خود می‌دانیم که عمده کارهای فرهنگی معطل نیروی انسانی است. برای حل این موضوع نباید دست روی دست بگذاریم تا ابر و باد و مه و خورشید و فلک نیروی انسانی مؤمن کارآمد بصیر را تأمین کنند. باید به میدان بیاییم و عرصه‌ای را برای تربیت این انسان‌های بزرگ پدید آوریم. آن عرصه همین مدارس علمیه هستند.

مدارس علمیه بهترین کانون پرورش و کارگاه تولید انسان‌های بزرگ است و بهتر از آن برای این هدف نمی‌توان یافت. اگر مدارس علمیه را با مدارس آموزش و پرورش، یا با دانشگاه‌ها، مساجد و هیئات مقایسه کنید به این موضوع معترف خواهید بود. همه این مراکز نقش تربیتی دارند؛ اما هیچ یک مانند مدرسه علمیه ظرفیت تربیت انسان‌های بزرگ ندارند؛ مثلاً در مسجد با همه عظمت و قداست و برکتش، امکان ارتباط با مخاطب در شبانه‌روز تنها یکی دو ساعت است. در ضمن مخاطب مسجد یکدست نیست، زن و مرد و کودک و جوان و پیر و باسواد و بی‌سواد و عامی و متخصص و... همه حضور دارند.

در محیط دبیرستان و دانشگاه هم چه بسا مخاطب با اشتیاق کافی نیامده باشد؛ اما در مدرسه علمیه مخاطبی که در اختیار ماست با اشتیاق برای فراگیری فرهنگ اسلامی و تربیت دینی خود را عرضه کرده است.

این مخاطب مشتاق و تأثیرپذیر می‌تواند روزگاری تأثیرگذارترین شود؛ یعنی حتی اگر در غیر حوزه علمیه این همه اشتیاق و آمادگی باشد در نهایت یک پزشک یا مهندس خواهد شد؛ اما طلبه می‌تواند در سطح جهان تأثیرگذار باشد؛ مانند شیخ زکزاکی و سید حسن نصرالله که این همه عظمت برای شیعه در نیجریه و لبنان بلکه در جهان پدید آورده‌اند. مرحوم شاه آبادی که امام راحل درباره او «روحی فدا»^۱

۱. شرح چهل حدیث، ص ۶۲۲.



می فرمود به ظاهر یک نفر تربیت کرده است؛ اما جهانی را با همین یک نفر متحول ساخته و نقطه عطفی در تاریخ تشیع پدید آورده است.

آیا از تربیت انسان، کاری بزرگ تر و مهم تر می توان سراغ گرفت؟ آیا توسعه صنعت هسته ای یا پدید آوردن موشک های قاره پیما با تربیت انسان کامل تراز دین قابل مقایسه است؟ پیغمبر اکرم به امیر مؤمنان می فرمودند: «لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ»^۱ هدایت یک نفر بهتر از همه آن چیزی است که آفتاب بر آن می تابد.

بی شک کوششی که در ارتباط با این جوان ها انجام می گیرد یک ذره و یک ثانیه اش از بین نمی رود؛ ولی نباید به همین مقدار اکتفا کنیم. باید این مسیر را پرشورتر، کامل تر، حرفه ای تر و با دانش و دقت کامل تر پیش ببریم. ما در این میدان باید حرکت پرشوری انجام بدهیم تا خدای متعال برکت دهد. هدایت فقط به دست خداست و خدا به پیامبرش صریح می فرماید: «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ»^۲؛ اما با این حال، پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای هدایت انسان ها سخت تلاش می کند و خود را به زحمت می اندازد تا جایی که خدا می فرماید: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى»^۳، «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»^۴ «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»^۵ پیغمبر این گونه عمل کرد تا انسان های بزرگی مانند سلمان و ابوذر و مقداد و حماسه های شکوهمندی مانند بدر و احد و خیبر پدید آورد.

این حرکت پیامبر را وارثان پیامبران نیز باید داشته باشند «إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ

۱. الکافی، ج ۵، ص ۲۸.

۲. سوره قصص، ۵۶.

۳. سوره طه، ۲.

۴. سوره توبه، ۱۲۸.

۵. سوره شعرا، ۳.



الْأَنْبِيَاءِ»^۱ یعنی ما هم باید کوشش کنیم و خود را به زحمت بیندازیم تا بتوانیم انسان های بزرگی را پدید آوریم. این وظیفه ماست.

ما باید شبانه روز مجاهدت ورزیم. مدیر مدرسه علمیه، ساعت کاری اش ۷ صبح تا ۲ بعد از ظهر نیست؛ زیرا که این برنامه عادی با آن مسئولیت سنگین سازگار نیست. مدیر گاهی باید نیمه شب در مدرسه حضور داشته باشد، گاهی باید نماز شب خود را در حجره ی طلاب بخواند. گاهی بعد از ظهرها بماند. گاهی با ابزارهای ارتباطی جدید صبح، شب، یا سحر با طلبه ارتباط برقرار کند. بهترین مدیران مدرسه علمیه که پیش کسوتان و ستاره های تربیت بودند مانند شهید قدوسی، مرحوم آیت الله ایازی، مرحوم آیت الله فاضل، مرحوم آیت الله مجتهدی و حضرت آیت الله بنایی این گونه زندگی می کردند که توانستند انسان های بزرگ را تحویل بدهند.

هر طلبه؛ یک کلان پروژه

هر طلبه که وارد حوزه می شود یک پروژه بلکه یک کلان پروژه است و پرونده کاری سنگینی برای ما ایجاد می کند. این مسئولیت سنگین فراتر از توان ماست و روشن است که ما برای انجام این کار بزرگ، کم هستیم. به دو جهت:

یکی اینکه جمعیت طلبه زیاد است و هر یک از آنان برای خود دنیایی متفاوت از دیگری دارد؛ زیرا خدای متعال دو سرانگشت را مثل هم نیافریده است تا چه رسد به دو انسان که از دو پدر و مادر متولد شده و با دو فرهنگ متفاوت در دو خانواده و محیط رشد کرده اند: «وَ قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا»^۲. با این وصف هر کدام به رسیدگی های خاص نیاز دارند.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۲.

۲. سوره نوح، ۱۴.



دوم اینکه دارایی‌های تهذیبی، اخلاقی و تربیتی خود ما ناچیز است و «ذات نایافته از هستی بخش. چون تواند که بود هستی بخش؟» ما موظف هستیم عالم ربانی کامل پدید بیاوریم در حالی که خود عالم کامل نیستیم. اکنون این سؤال پدید می‌آید که لوازم چنین تربیتی چیست؟ برای پدید آمدن چنین رادمردانی چه باید کرد؟

دست بسیار

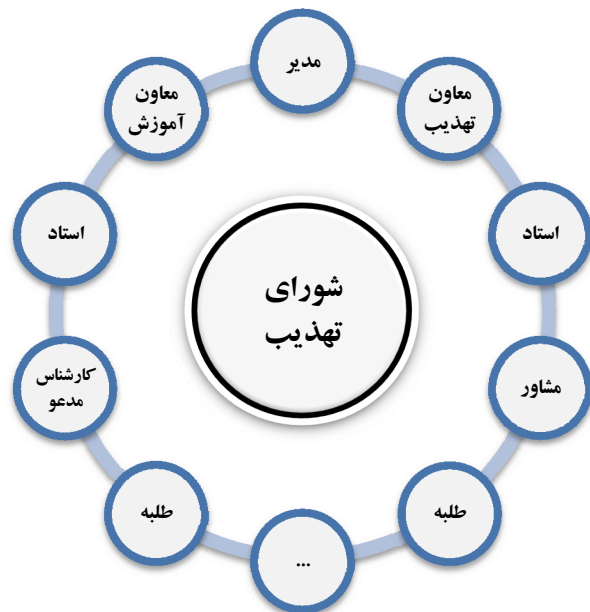
تربیت، تحول و ساخت انسان، مهم‌ترین و البته سخت‌ترین کار است. این کار دشوار را فردی نمی‌توان انجام داد. روشن است که تنها راه حل در این میان، «اهتمام جمعی» است. باید دست، در کار تربیت زیاد شود و دیگران هم به خدمت این کار بزرگ آیند. ایدآل این است که همگان به عنوان عامل تربیت تلاش کنند و به سطح نازل کار نیز قناعت نکنند. رویکرد تربیتی باید فراگیر شود. اگر چند نفر در کار تربیت طلبه حضور داشته باشند و طلبه از وجود افراد متعدد بهره گیرد، مثلاً یکی کمالات علمی و دیگران کمالات اخلاقی، اجتماعی، ارتباطی یا مراقبت‌های فردی را به او منتقل کنند شخصیت جامع‌تری شکل خواهد گرفت؛ اما آن کس که تنها زیر دست یک نفر رشد کرده است علی‌القاعده پایین‌تر از او خواهد بود.

در حوزه‌های علمیه عوامل متعددی در تحول شخصیت طلبه نقش‌آفرینی می‌کنند. مدیر، استاد، پرسنل، طلاب دیگر، فضا و محیط مدرسه، کتب درسی، متون آموزشی و...؛ اگر بخواهیم در تربیت طلبه اهتمام جدی داشته باشیم باید همه این عوامل را در کنار هم و به صورتی کاملاً هماهنگ و منسجم به کار گیریم. بی‌تردید یک نفر - به عنوان مدیر یا معاون تهذیب - برای فکر کردن و اقدام مؤثر در این زمینه کافی نیست. باید اندیشه‌های متعدد و متنوعی در فکر و تدبیر تربیتی و



دست‌های فراوانی در اقدام و عمل تربیتی به کار افتد. برای این منظور لازم است یک هسته فکری قدرتمند برای برنامه‌ریزی، طراحی، هدایت، نظارت و حمایت از فعالیت‌های تربیتی و تهذیبی در مدرسه تشکیل شود تا تلاش‌های متفرق در نظام واحد قرار گیرد و سطح تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات ارتقا یابد.

معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه برای پیدایش چنین سازه ارزشمندی طرح شورای تهذیب و تربیت مدارس علمیه را پیشنهاد می‌کند. شورای تهذیب مدرسه علمیه، یک هسته فکری برای هدایت، نظارت و حمایت از امور تربیتی - تهذیبی مدرسه است که تحت نظارت مدیر مدرسه فعالیت می‌کند. مدرسه علمیه اگر فاقد این شورا و محروم از برکات آن باشد، در کار تهذیب و تربیت طلبه توفیقی ندارد و مدیر و معاون مدرسه هرچند انسان‌های وارسته، عالم و مجاهدی باشند به تنهایی کاری از پیش نمی‌برند.





در این نوشتار ماهیت و ارکان شورای تهذیب را بیشتر با رویکرد تبیینی و توصیه‌ای - نه قانونی و آیین‌نامه‌ای - روشن می‌سازیم و به همین جهت به تعداد دقیق اعضای شورا، نحوه انتخاب آنان، مقررات تشکیل جلسات و جزئیاتی مانند آن اشاره نمی‌شود.

مدیر

مسئولیت سنگین تربیت طلبه‌ها و بالذات بر دوش مدیر است. مدیر به عنوان متولی اصلی، سایر عناصر تربیتی را جمع‌آوری و نصب می‌کند و باید پاسخ‌گویی همه تلاش‌های تربیتی در مدرسه باشد. معاون تهذیب در مرتبت بعد، مددکار مدیر و عون اوست. مدیر، ثبات و اعتبار و نفوذ بیشتری دارد و امر خطیر تربیت را به غیر او نمی‌توان سپرد؛ بنابراین کسی که باید بیشترین اشراف و احاطه علمی را بر عملیات تربیت داشته باشد مدیر مدرسه است. این اشراف علمی از آسمان نازل نمی‌شود و باید با تلاش و مجاهدت نظری حاصل آید و دائم نیز تقویت گردد. شورای تهذیب بستر پیدایش و تقویت این احاطه عالمانه و تفکر حکیمانه است.

مدیر مدرسه در کار تربیت طلبه، یا دانا و کارکشته و مسلط است یا نیازمند دانایی و کارکشتگی و تسلط. اگر نیازمند است که باید رشد کند و بار گیرد و تقویت شود تا بتواند این مسئولیت سنگین را به خوبی انجام دهد و اگر دانا و کارکشته است که باید این سرمایه عظیم را به نسل دیگر منتقل کند؛ یعنی در کنار خود کسانی را پرورش دهد و همیار و همراه خود گرداند؛ بنابراین در هر دو صورت به شورای تهذیب و تربیت نیاز دارد.

البته در برخی از مدارس علمیه فراتر از مدیر، متولی دیگری نیز وجود دارد. در آن مدارس تولید مدرسه نیز باید در شورای تهذیب حضور داشته باشد تا هم به



این جمع فایده برساند و هم از این جمع استفاده کند؛ «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»^۱. مدیر مدرسه یا متولی آن حق ندارد با امر عظیم تربیت طلبه، شوخی کند و به شکل فردی، تصمیماتی بی‌پایه و ارتجالی بگیرد. تصمیم‌های او یا به سال‌ها تجربه و دانش و احاطه مستند است یا ناپخته و بی‌مایه و خلق‌الساعه است. اگر عالمانه و باپشتوانه است که باید این دانش و مهارت سترگ به دیگران نیز انتقال یابد و اگر بی‌بته و خلق‌الساعه است که باید با یک پشتوانه حمایتی مطمئن، تکمیل و ترمیم شود. پس در هر دو صورت به شورای تهذیب و تربیت نیاز دارد.

معاون تهذیب

معاون تهذیب مدرسه دبیر این شورا است و باید با مشورت گرفتن از مدیر، دستور جلسه را به صورت روشن آماده کند و بیش از سایر اعضا برای آن مایه‌گذارد. پس از جلسه نیز مشروح مذاکرات را ثبت و مستندسازی نماید. اگر شورای تهذیب یک دبیر فعال و پیشرو نداشته باشد در میانه راه دچار فرسایش می‌شود و به بن‌بست می‌رسد. در مباحثات علمی معمولاً لازم است یک نفر مطالعه بیشتری داشته باشد و از قبل بر روی موضوع و سیر بحث به خوبی فکر کرده باشد و جهت‌دهی اصلی جلسه را بر عهده گیرد. معاون تهذیب این نقش را بر عهده دارد.

اگر همه اعضای جلسه بدون مطالعه در شورا حاضر شوند و بخواهند صرفاً از طریق بلندبلند فکر کردن! و بارش‌ها و جرقه‌های ذهنی در جلسه اظهار نظر کنند معمولاً مباحثه به پراکنده‌گویی و سرگردانی منتهی می‌شود و بیشتر مایه کلافگی و آزرده‌گی می‌گردد. معاون تهذیب می‌تواند پیش از جلسه با اندکی مطالعه و تفکر یا با چند تماس تلفنی با کارشناسان و اندکی آمادگی پیشین این روال را بسیار بهینه سازد و بحث را مرحله‌ای پیش اندازد.

۱. سوره شوری: ۳۸.



سایر معاونان

معاون آموزش مدرسه نیز لازم است در این شورا حضور داشته باشد؛ بدان جهت که عمده برنامه‌های مدرسه حول محور آموزش قرار دارد و همپوشی و اصطکاک میان برنامه‌های آموزشی و تربیتی بسیار است. بنابراین معاون آموزش باید نگرش تربیتی کاملی داشته باشد تا بتواند سایه توجهات تربیتی را بر تمام فرایندهای آموزش بگستراند.

حضور سایر معاونان مانند معاون پژوهش نیز در این شورا توصیه می‌شود. حتی اگر نتوان به عنوان یک تکلیف اداری و به صورت مستمر آنان را به این حضور الزام کرد به صورت موردی و مثلاً ماهی یک‌بار باید ارتباط آنان را با این شورا برقرار ساخت؛ زیرا اطلاع آنان از مباحث شورا در ایجاد یک نگاه پرننگ تربیتی و احساس مسئولیت فردی در این موضوعات مؤثر است. علاوه بر اینکه زمینه همراهی و هماهنگی ضوابط آموزشی، پژوهشی و سایر آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها را ایجاد می‌کند.

اساتید

نقش تربیتی استاد در مواجهه مستقیم و مباشر بی‌بدیل است. در حوزه‌های علمیه عوامل متعددی در تحول شخصیت طلبه نقش آفرینی می‌کنند؛ اما بی‌شک تأثیرگذارترین و موفق‌ترین عامل در پرورش طلبه، استاد است. نقش استاد در شکل‌دهی به اندیشه و انگیزه و رفتار طلبه بی‌همتاست و بیشترین رسیدگی در حق طلبه نیز از استاد انتظار می‌رود. این ویژگی مرهون عوامل زیر است:

نخست اینکه بستر تربیت و تحول انسان ارتباط است و فرصت استاد برای ارتباط با طلبه از همه بیشتر است. استاد روزانه با طلبه مرتبط است و فرصت تأثیرگذاری طولانی در اختیار دارد. می‌تواند در این فرصت حرف بزند، عاطفه



بورزد، برانگیزد، راهنمایی کند، هشدار دهد، بشکند، بسازد و برافروزد.

دوم: طلبه در مقابل مقام علمی استاد به‌نحو طبیعی کرنش می‌کند و مسحور و مرعوب جلوه‌گری علمی او می‌گردد. طلبه کوچکی خود را در مقابل استاد به علم حضوری درمی‌یابد و دیوار دفاعی خود را در برابر عظمت او می‌گشاید.

گویا این اعتبار علمی خودبخود به شخصیت استاد و سایر صفات او نیز سرایت می‌کند و به اعتبار شخصیتی تبدیل می‌گردد و اعتماد می‌آفریند؛ اعتمادی که بزرگ‌ترین سرمایه در اثرگذاری تربیتی است.

سوم: استاد برخلاف مدیر، معاون آموزش، معاون تهذیب، پرسنل اجرایی و حتی استاد اخلاق مدرسه با گروه محدودتر و جمعیت کمتری روبروست و به‌طبع، مشکلات آنان را از نمای نزدیک می‌بیند و با سرعت و دقت بیشتری درمی‌یابد و امکان شناخت استعدادها و قوت و ضعف طلبه را بیش از همه و پیش از همه دارد. **چهارم:** انس و صمیمیت استاد در ارتباط طولانی با طلبه روزبه‌روز بیشتر می‌شود و زمینه اثرگذاری و نقش آفرینی او هموارتر می‌گردد. همین انس و صمیمیت است که طلبه را به درددل با استاد و بیان مسایل فردی خود تشویق می‌کند و از او اُذن خیر و سنگ صبوری برای مشکلات طلبه پدید می‌آورد.

از این ظرفیت ممتاز و انرژی جایگزین‌ناپذیر باید به نفع تربیت آن انسان‌های توانا و بزرگ استفاده کرد و برای این منظور جایگزین بهتری نمی‌توان یافت.

مدیر مدرسه که تربیت اخلاقی معنوی طلاب را بر عهده دارد و مدیریت می‌کند حتماً به این عامل منحصر‌به‌فرد و استثنائی باید توجه کند و از آن در مقاصد تربیتی بهره‌گیرد؛ زیرا بی‌شک نمی‌توان تعلیم و تربیت طلبه را از هم تفکیک کرد و به دو کانون مختلف وانهاد.

تأثیر استاد در طلبه قطعی است. استاد حتی اگر نداند و نخواهد، رنگ شخصیت خود را به طلبه انتقال می‌دهد و ناهشیار بر او اثری می‌افکند. این فرایند



ناخودآگاه را باید شناخت و مدیریت کرد و از ظرفیت آن به نفع تربیت بهره گرفت؛ تربیتی پنهان و نامرئی فراتر از آموزه‌ها و ارتباطات کلاسیک که می‌توان بهینه‌اش ساخت و به کارش گرفت.

علاوه بر این، سینه‌استاد گنجینه‌مسایل ریز و درشت و نیازها و مشکلات طلاب است. مسایلی که باید در شورای تهذیب و تربیت یک به یک بحث و بررسی شود و به سامان درستی دست یابد؛ بنابراین حضور اساتید در شورای تهذیب و تربیت مدرسه لازم است؛ البته معمولاً دعوت از همه اساتید ممکن نیست ولی دست کم دو سه نفر از آنان خصوصاً اساتید اخلاق باید در این شورا حضور داشته باشند و حتماً از نظارت و نظرات آنان در این شورا بهره گرفته شود. در ضمن از آنجا که شورای تهذیب و تربیت خود نوعی کلاس درس و پایگاه رشد برای اساتید به شمار می‌رود، هرچه تعداد اساتید در آن، بیشتر باشد نیروی تهذیبی بیشتری در مدرسه پرورش می‌یابد.

مدیر مدرسه همان طور که دغدغه رشد طلبه‌ها را دارد باید به فکر رشد و پرورش اساتید مدرسه هم باشد؛ بنابراین از اساتید مدرسه باید برای حضور در شورای تهذیب و تربیت به اصرار دعوت کند و در یک فرایند برد برد هم خود از فکر و نظر آنان استفاده کند و هم آنان در این شورا ارتقا یابند. اینکه چه استادی صلاحیت دعوت و حضور در این شورا را دارد به شکل تعینی آشکار است. طبعاً در میان اساتید مدرسه، کسانی می‌توان یافت که دغدغه تربیت را بیش از دیگران دارند و در این زمینه جوش و خروش و خلاقیت بیشتری از خود نشان می‌دهند؛ البته سایر اساتید نیز با حضور در این شورا درس می‌آموزند و پیش خواهند رفت.

مشاور

حضور مشاور مدرسه در شورای تهذیب و تربیت توصیه می‌شود؛ البته توجه



داریم که معمولاً مدیر و اساتید مدرسه در معرض مشاوره قرار دارند و از مسایل شخصی طلاب از نزدیک آگاهند؛ اما اگر مدرسه، استاد اخلاق یا مشاور مستقل هم دارد مناسب است از حضور و اشراف او نیز در این شورا بهره گرفته شود. بی‌تردید مشاوران، رازدار مسایل مراجعان هستند و در این کرسی هرگز از آنان انتظار نمی‌رود پرونده طلاب را فاش کنند یا مسایل شخصی آنان را محور گفتگو قرار دهند؛ اما انتظار می‌رود که تجربیات حاصل از درگیری مستقیم با مسایل تربیتی طلبه را به ظرفیت‌های شورا بیفزایند.

نکته‌ای که حتماً باید بدان توجه کرد این است که معمولاً نگاه مشاوران آسیب‌شناسانه و درمانی است و چون دائماً با موارد سخت و حاد روبه‌رو بوده‌اند ممکن است سایه سنگین این موارد بر ذهن و دل آنها غلبه کرده باشد و رویکرد شورای تهذیب و تربیت را از پیش‌گیری و تعالی‌جویی به سمت درمان و ترمیم بکشانند. متأسفانه باید گفت اکثر قوانین مدرسه متناسب با ضعف طلاب و ناظر به تخلفات یا مشکلات بدترین طلبه‌ها - که چه بسا صلاحیت ماندن در حوزه را هم نداشته باشند - تنظیم می‌شود و هوش و حواس مسئولان، بیشتر درگیر حل مسأله‌هایی است که اینان پدید می‌آورند. در حالی که طلاب خوب و رشید مدرسه، از توجهات تربیتی محروم می‌مانند و معمولاً برای آنها طرح و تدبیر و برنامه‌ای رقم نمی‌خورد! به تعبیر دیگر تمام هم و غم مسئولان مدرسه این است که طلبه را از زیر صفر به سمت صفر بیاورند و حد نصاب سلامت را برای طلبه تأمین کنند؛ در حالی که مدرسه علمیه تأسیس شده تا طلبه، نه از زیر صفر به صفر بلکه از صفر به بی‌نهایت حرکت کند و از حد نصاب سلامت به اوج تعالی و شکوفایی دست یابد. این موضوع را باید هوشمندانه مدیریت کرد و شورای تهذیب و تربیت را به کار اعتلای تربیتی طلاب کشاند و از بزرگ‌نمایی برخی آسیب‌های موردی پرهیز داد.



کارشناسان مدعو

بسیاری از مسایل بغرنج عالم طلبگی با یکی دو جلسه بحث و بررسی در شورای تهذیب و تربیت حل نمی‌شود و نیاز به ورود کارشناسانه دارد. مطالعه کردن منابع مکتوب در این زمینه کار این بحث و بررسی را آسان می‌کند.^۱ در بسیاری از موضوعات هم لازم است از نظر کارشناسان بیرونی برای دسته‌بندی عالمانه موضوعات یا جمع‌بندی نهایی استفاده شود.

با پیشرفت فناوری ارتباطات می‌توان به صورت مجازی نیز از حضور آنان در جلسه بهره گرفت. همچنین حین جلسه یا بعد از آن می‌توان از آنان نظرخواهی کرد. تزریق این نظرات به شورا، سرعت بحث را می‌افزاید، دسترسی به نتیجه را سهل می‌کند، مباحثه را انتظام می‌بخشد و شورا را از ساده‌انگاری موضوعات و برخورد‌های سطحی یا کلافگی از ادامه بحث و توقف بیجا نجات می‌دهد.

طلبه

حضور برخی از طلاب نیز در شورای تهذیب مفید است. طلبه‌های نخبه و خوش‌فکر از پایه‌های بالاتر و سرگروه‌ها و مسئولان فعال تشکل‌های طلبگی - دست‌کم در پاره‌ای موضوعات خاص - می‌توانند در این شورا حضور داشته باشند. با توجه به اینکه شورای تهذیب و تربیت، بحث و بررسی‌های کلی و طرح و تدبیرهای عام تربیتی در مدرسه را بر عهده دارد، حضور طلاب در آن، مانع و مفسده‌ای ندارد و مایه ارتباط صمیمی‌تر با بدنه طلاب، دست‌یابی به اطلاعات خاص آنها و استفاده از خلاقیت‌های جوانی آنان در طراحی و تدبیر می‌گردد. همچنین به جهت‌دهی فکری و علمی آنان به سمت موضوعات اخلاقی تربیتی

۱. برخی از منابع مرتبط با مسایل طلبگی در انتهای همین متن (پیوست یکم) آمده است.



می‌انجامد و سرعت رشد آنان را در جریان تربیت بالا می‌برد. شورای تهذیب همان گونه که برای استاد و مدیر، مایه بالندگی و کلاس درس است برای این طلاب هم رشد علمی و عملی می‌آورد.

حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند:

«إِذَا احْتَجَجْتَ إِلَى الْمَشُورَةِ فِي أَمْرٍ قَدْ طَرَأَ عَلَيْكَ فَاسْتَبَدَّ بِبِدَايَةِ الشُّبَّانِ، فَإِنَّهُمْ أَحَدٌ أَذْهَانًا وَ أَسْرَعُ حَدْسًا، ثُمَّ رُذَّةٌ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَى الْكُهُولِ وَ الشُّيُوخِ لَيْسَتْ عَقِيبَةٌ وَ يُحْسِنُوا الْإِخْتِيَارَ لَهُ، فَإِنَّ تَجْرِبَتَهُمْ أَكْثَرُ»^۱

هرگاه به مشورت نیازمند شدی، نخست به جوانان مراجعه نما، زیرا آنان ذهنی تیزتر و حدسی سریع‌تر دارند. سپس (نتیجه) آن را به نظر میان‌سالان و پیران برسان تا پیگیری نموده، عاقبت آن را بسنجند و راه بهتر را انتخاب کنند، چرا که تجربه آنان بیشتر است.

بر اساس این حدیث، طرح موضوع در حلقه جوانان ضروری است، جوانان به‌خاطر ذهن تیز و حدس سریع، قادر به ابداع موضوعات، دستیابی به احتمالات، ایده‌پردازی نوآورانه، دقت در محاسبات و ... می‌باشند.

البته در مرحله بعد لازم است که نتیجه مباحثات حلقه جوانان را در حلقه دیگری از بزرگان دارای تجربه و سابقه مطرح نمود؛ چرا که ایشان قادر خواهند بود به خوبی عواقب آن کار را سنجیده و با اولویت‌گذاری، بهترین گزینه را انتخاب نمایند.

همچنین طلاب جوان برای واسپاری برخی از کارهای جانبی مانند تهیه منابع مرتبط، جستجو از آرای صاحب‌نظران، تنظیم صورت‌جلسه و برخی ارتباطات جانبی در حاشیه شورا آمادگی دارند. بی‌شک میدان دادن به طلاب جوان و باور

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۳۷.



کردن توانایی‌های آنان هم برای مدرسه سودمند است و هم به شکوفایی استعداد جوانان می‌انجامد و هم توصیه‌ی مقام رهبری در گام دوم انقلاب را محقق می‌کند. اینکه کدام یک از طلاب در این شورا دعوت شوند برای مدیر مدرسه و سایر اعضای شورا آشکار است و نیاز به توصیه و تبیین ندارد. قدر متیقن ویژگی‌های این طلاب فضل علمی، ابتکار، رازداری و روحیه‌ی کار جمعی است.

فلسفه و ثمرات شورای تهذیب و تربیت

از شورای تهذیب، می‌توان تقریر خشک و بخش‌نامه‌ای ارایه داد. نیز می‌توان با تقریر عمیق از فلسفه و ماهیت این شورا، روح و باطن آن را درک کرد. اگر حقیقت این شورا و سخت‌هسته‌ی ماهوی آن درک نشود قالب ظاهری آن چندان مفید نیست. مانند کارمندی که روح قانون را نفهمیده است یا نمازگزاری که فقط ظاهر نماز را ادا می‌کند. کسانی که حقیقت و فلسفه شورای تهذیب و تربیت را به خوبی درک کرده‌اند، این شورا را یک شورای نمایشی وقت‌گذران نمی‌بینند و در روش اجرا نیز چندان به آموزش نیاز ندارند؛ البته آموزش آن و استفاده از تجربه‌ی کسانی که سابقه‌ی برگزاری موفق و مؤثر این شورا را دارند همواره مفید است.

مدیر مدرسه علمی‌ه که اگر درک کاملی از بهره‌های شورای تهذیب داشته باشد خود را به داشتن آن مضطر می‌بیند نه اینکه صرفاً به خاطر یک دستور بالاسری و از باب رفع تکلیف شورای تهذیب و تربیت تشکیل دهد. در اینجا به بیان اهداف و ثمرات این شورا می‌پردازیم.

۱. همراهی در تربیت طلبه

غرض از شورای تهذیب و تربیت این است که دست و مغز در کار تربیتی زیاد باشد. علاوه بر مدیر مدرسه علمی‌ه و معاون تهذیب که متولیان اصلی هستند،



دیگران هم به این میدان ورود می‌کنند تا این کار به خوبی انجام گیرد. با فعالیت معاون تهذیب در مدرسه این شیب لغزنده وجود دارد که متصدیان بخش‌های دیگر و حتی اساتید محترم گمان کنند تربیت و تهذیب طلبه، مسئول و متصدی دارد و آنان می‌توانند نسبت به این امر فارغ‌البال و بی‌مسئولیت باشند. برای رفع این تصور غلط، سخنرانی و تذکر کافی نیست. با تشکیل شورای تهذیب آنها سر در موضوع و دست اندرکار تربیت خواهند شد و عملاً احساس مسئولیت می‌کنند. با برگزاری شورای تربیت، دغدغه‌مندان امر تهذیب و تربیت تکثیر می‌شوند.

۲. همفکری و امکان دستیابی به ایده‌های برتر

اولین وظیفه‌ی شورای تهذیب و تربیت، همفکری است. همفکری در قالب مباحثه مسایل تربیتی و کشف راه‌کارهای آن. مباحثه، یک اجتماع علمی است که دست خدا بالای آن است و در آن جهش فکری اتفاق می‌افتد: «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ»^۱. این جرقه‌های ذهنی به کشف ایده‌های جدید می‌انجامد و با این فکرها می‌توان اقدامات مؤثری انجام داد. مدیر یا معاون تهذیب مدرسه هرچند خوش‌فکر و ذکاوت‌مند باشند به تنهایی چنین دستاوردی ندارند. تنها در اجتماع و مباحثه است که این همه دقت و خلاقیت تولید می‌شود.

مدیر مدرسه حق ندارد برای حل و فصل مسایل تربیتی به فکر خود اکتفا کند و امر مهم تربیت طلبه را با چند دقیقه یا چند ساعت تأمل فردی پیش برد. حتماً باید از حاصل فکر و تأمل دیگران خصوصاً در یک بستر جمعی بهره گیرد: «أَضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بِبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ»^۲.

۱. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۲۷.

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ حدیث ۱۰۰۶۳.



در شورای تهذیب و تربیت، بارش فکری و توفان مغزی رخ می‌دهد و تجربیات انباشته در وجود اعضا، اثاره می‌شود. همچنین با مباحثه و همفکری، مطالب در ذهن، تثبیت و پایدار می‌شود؛ بنابراین این شورا، کانون عقلانیت و تولید فکر برای مدرسه و بازوی فکری برای مدیر است. علاوه بر اینکه اگر این یافته‌ها و تأملات ثبت شود دانش تربیت نیز ارتقا می‌یابد.

البته دبیر جلسه موظف است با پرسش‌های زیبا و تأمل‌برانگیز، قدرت فکری دیگران را به میدان آورد و از توان آنان به خوبی استفاده کند: «حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ»^۱.

۳. همدلی و ایجاد شور تربیتی بیشتر

وقتی مدیر یا معاون تهذیب مدرسه در انجام وظیفه تربیتی، احساس تنهایی می‌کند به مرور انگیزه‌اش کم و همتش کوتاه می‌شود و شور و حرارت و نشاط خود را از دست می‌دهد؛ اما با شورای تهذیب و تربیت، احساس حمایت و پشتیبانی می‌کند، به کار تربیت طلبه، دلگرم می‌شود و با شور و قدرت بیشتری وظیفه خود را دنبال می‌کند و با همراهی این شورا همت بلندتری خواهد یافت.

۴. هم‌زبانی و هم‌نوایی

در شورای تهذیب و تربیت، میان مدیر، کادر مدرسه، اساتید و متولیان تربیت و تهذیب، هم‌زبانی پدید می‌آید. گاهی در پاسخ به سؤالات طلبه مانند سؤال از زمان ازدواج یا ارتقای خواندن، معمم شدن، و... استاد مدرسه یک نظر می‌دهد. مشاور مدرسه نظر دیگری دارد و مدیر مدرسه نظر دیگری! در اینجا طلبه به

۱. کنزالفوائد، ج ۲، ص ۱۸۹.



سرگردانی می‌افتد و تلاش‌های تربیتی، دائم خنثی می‌شود. علاج این تشتت آرا و تضاد ارشادات در شورای تهذیب و تربیت است. در این شورا با گفتگو و مباحثه، آهنگ واحد پدید می‌آید و مدرسه و طلبه از رهنمودهای متعارض نجات پیدا می‌کنند.

در یکی از مدارس علمیه استاد اخلاق توصیه‌ی اکید به رعایت واجب و حرام کرده بود و مستحبات و مکروهات را پیشکش شمرده بود. هفته بعد در همان مدرسه و بر فراز همان منبر، استاد دیگری گفته بود: طلبه باید نماز شب بخواند و نماز شب اگر برای توده مردم مستحب است برای طلبه واجب است. این تناقض کجا باید حل شود و راه جمع این دو سخن چگونه باید برای طلبه تبیین شود؟ شورای تهذیب و تربیت، صدای واحد توصیه‌های تربیتی را تولید می‌کند.

۵. ایجاد دغدغه فعال

مدیر مدرسه بیش از آنکه به «مدرسه‌گردانی» می‌اندیشد باید به «طلبه‌پروری» فکر کند. بیش از آنکه به غذای جسمی طلاب، ایزوگام بام مدرسه، نقاشی ساختمان و تجهیز امکانات اهتمام می‌ورزد، نسبت به غذای روحی و تربیت جامع طلبه باید اهمیت دهد. این موضوعی است که همگان بدان معترف‌اند و کسی در آن تردید ندارد، اما چرا این امر بدیهی در خارج کمتر محقق می‌شود؟

این موضوع را با توصیه و درخواست نمی‌توان محقق ساخت و با ابلاغ بخش‌نامه و دستورالعمل نمی‌توان پیش برد. شورای تهذیب و تربیت مدرسه سازه‌ای است که به این ضرورت یاری می‌رساند. این شورا، مسایل تربیتی و اخلاقی را اولویت اول مسئولان می‌کند و نسبت به آن حساسیت و ذهنیت فعال ایجاد می‌کند. روشن است که تا موضوعی دغدغه درونی مدیران نشود به جریان نمی‌افتد. برای ایجاد این دغدغه‌مندی هم نمی‌توان منتظر معجزه نشست. باید آن



را پدید آورد. این شورا، دغدغه تہذیب و تربیت را زنده نگاه می‌دارد و اولویت تہذیب و تربیت را همیشه بالا می‌آورد.

برجسته‌ترین و موفق‌ترین مدیران مدارس علمیه قم در سال ۸۹ و پس از سفر مقام رهبری یک جلسه هفتگی به هدف هم‌افزایی پدید آوردند تا بر روی مسایل مورد نیاز و تربیت جامع و انقلابی طلبه بحث کنند. این جلسه بیش از هشت سال استمرار یافت. این مدیران از سر فراغت و بی‌کاری یا به هدف گعده و خوش‌گذرانی دور هم نیامده بودند؛ همه معترف بودند که از این جلسه بهره می‌گیرند و راز موفقیت آنان نیز همین گفتگوها و بررسی‌ها بوده است.

اگر تہذیب و تربیت طلبه مهم‌ترین است باید در باره‌اش فکر و گفتگو کنیم و برایش انرژی صرف کنیم. هیچ توجیھی برای از دست دادن این فرصت نمی‌توان یافت. بی‌تردید باید از ظرفیت منحصر به فرد جمع در این مهم استفاده کرد.

۶. ارتقای جایگاه تہذیب

ارتقای جایگاه تہذیب، با سخنرانی و شعار و بخش‌نامه رخ نمی‌دهد و با التماس و ناله و شکواییه محقق نمی‌شود. به سازه‌کار و اقدام مؤثر نیاز دارد. با تشکیل منظم شورای تہذیب و تربیت، جایگاه تہذیب و تربیت در مدرسه ارتقا خواهد یافت و فکر و ذکر و هم و غم و هوش و حواس مسئولان از تمرکز بر مسایل آموزشی یا رفاهی طلبه به سوی تربیت جامع خواهد رفت. سطح تصمیم‌گیری‌های تربیتی، غلظت توجهات تربیتی و حساسیت نسبت به مسایل تربیت بالا می‌رود و ماهیت تربیتی حوزه‌های علمیه به جایگاه اصیل خود باز می‌گردد.

۷. استقلال در کار تربیت

مهم‌ترین هنر ستاد مدیریتی این است که مدارس علمیه را به رشد رساند نه اینکه



از آنان انتظار داشته باشد که صرفاً مانند یک ربات بی‌اراده و ماشین بی‌اختیار، اجراکننده دستورات ابلاغی باشند و سماعاً و طاعه بگویند. ستاد باید به جای پیمان‌کاری، تصدی‌گری مستقیم، عملیات مباشر تہذیبی و ورود بی‌واسطه تربیتی در سطح مدارس، صف‌آرایی کند و مباشران و مسئولان مستقیم را به استقلال رساند. مدارس علمیه باید در مسأله‌شناسی تربیتی، اولویت‌بندی و حل و فصل مسایل به مرور مستقل شوند و دائم چشم‌انتظار ابلاغیه‌ها و بخش‌نامه‌های ستادی نمانند. اگر مدیر مدرسه قدرت و اهمیت شورای تہذیب را درک کند و به برگزاری مستمر و مؤثر آن اهتمام داشته باشد ظرفیت حساسیت، خلاقیت و ایده‌پردازی تربیتی مدرسه را بالا می‌برد و منتظر قانون بالادستی نمی‌ماند؛ بلکه با شور و ابتکار بیشتر به گونه‌ای حرکت می‌کند که ستاد مرکزی از نوآوری‌ها و دستاوردهای او استفاده کند؛ اما اگر مدیر یا معاون تہذیب مدرسه دست‌تھا مانده و شورای تربیت نداشته باشند هرچه طرح و آیین‌نامه ابلاغ شود را یا محترمانه بایگانی می‌کند یا مایه کلافگی و موی دماغ می‌بیند و با آن درمی‌افتد یا اینکه در بهترین حالت پوستش را جهت ارائه گزارش، اجرا می‌کنند و مغز و روحش را وامی‌گذارد. مدیر و مسئول مدرسه علمیه باید خود را در امر تربیت، صاحب عزا و بازیگر اصلی بدانند نه تماشاچی خارج از گود، و به گونه‌ای عمل کند که اگر هیچ ستادی نمی‌بود و دستوری از بالا نمی‌رسید عمل می‌کرد. اگر فرض کنیم همه متولیان ستادی در کار خود کوتاهی می‌کنند و وظایف خود را انجام نمی‌دهند، باز هم مدیر مدرسه علمیه موظف است در تربیت طلبه سنگ تمام بگذارد و از هیچ تلاشی دریغ نرزد. البته روشن است که این بیان، هرگز به معنای رفع مسئولیت ستاد و مجوز دادن به کوتاهی‌های او در انجام وظایف نیست؛ مراد اصلی این است که ستاد وظیفه دارد مدارس علمیه را تقویت کند و به نوعی استقلال رساند.

متولی امر تربیت، مدیر است؛ به همین جهت، هم می‌تواند جلوتر از



بخش نامه‌ها و قوانین ستادی پیش رود و آنها را اعتلا بخشد و هم می‌تواند این آیین‌نامه و دستورات بالاسری را با اجرای بد ناپود کند و به سخره بگیرد.

به شکل طبیعی زمانی که مدارس در طراحی و برنامه‌ریزی نیز حضور داشته باشند، هم درک بهتری از طرح‌های ابلاغی صورت خواهد گرفت، هم اقتضاءات بومی بیشتر لحاظ خواهد شد و هم انگیزه و اهتمام بیشتری برای اجرای آن پدید خواهد آمد.

با تشکیل شورای تهذیب و تربیت، مدارس علمیه از دو چیز رها خواهند شد؛ یکی تحمیل و تکلیف سازمانی که آنان را به مجری بی‌اختیار قانون و اپراتور بی‌اراده تحقق اراده‌های دیگران تبدیل می‌کند و دوم سرگردانی و بی‌تدبیری و ضعف رأی^۱ که آنان را در مقام عمل، به توقف و تحیر می‌کشاند.

۸. دستیابی به قدرت اقتناع

با رشد فکری و عقلانی جوانان در دنیای معاصر و اطلاعات انبوه آنان به راحتی نمی‌توان طلبه را ارشاد کرد. جوان دنیای امروز کمتر زیر بار نصیحت می‌رود و به سهولت قانع نمی‌شود. برای اینکه حرف‌های درست و درشت و توصیه‌های محکم و قانع‌کننده به طلبه داشته باشیم و زبان گویایی برای تبیین مطالب به دست آوریم نیاز به مباحثه و گفتگو داریم. بدون شورای تهذیب این مهم معمولاً امکان‌پذیر نیست.

ما برای پاسخ‌گویی به ابهامات طلاب و اثرگذاری کامل بر آنان به آمادگی پیشین نیاز داریم. بدون پیشینه و ارتجالی نمی‌توان از پس مسایل جوانان برآمد.

۱. در وصایای امام صادق علیه السلام آمده است: «ثَلَاثٌ يَحْجُزْنَ الْمَرْءَ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ؛ فَصْرُ الْهَمَّةِ وَقِلَّةُ الْحِيلَةِ وَضَعْفُ الرَّأْيِ؛ سه چیز است که انسان را از پی جویی امور بلند باز می‌دارد: یکی کوتاهی همت، دوم نداشتن طرح و تدبیر و سوم ضعف اندیشه» (تحف العقول، ص ۳۱۸).



برای محکم‌تر شدن سخن و پیدا کردن بیان گویا، جامع و بلیغ، این شورا نیاز است.

۹. آموزش و تربیت نیرو

مدیر مدرسه همان گونه که وظیفه تربیت طلبه را بر عهده دارد وظیفه ارتقای کادر خود را هم دارد و باید دانش و تجربه اساتید و سایر پرسنل مدرسه را بالا ببرد. شورای تهذیب و تربیت، فضایی برای انتقال تجارب است و یک دوره آموزشی غیررسمی اما اثرگذار برای دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی اعضا به شمار می‌رود.

به بیان دیگر شورای تهذیب هم موضوعیت دارد و هم طریقیست. هم پایگاه حل مسأله و کانون طرح و تدبیر است و هم طریقی برای تربیت نیروی کارآمد.

فایده کوتاه مدت و آشکار این شورا، حل مسایل تربیتی و تهذیبی مدرسه، دستیابی به پاسخ‌های عالمانه و جامع و کشف راه‌کارهای اقدام و عمل است؛ اما بهره‌درازمدت و پنهان این شورا که بسی از بهره ظاهری و آشکار آن مهم‌تر و بیشتر است این است که در این شورا آرام‌آرام، نیروی اخلاق و تربیت، تربیت می‌شود. کسانی که در طول زمان و به شکل هفتگی دردهای تربیتی را مرور و مباحثه کرده‌اند به تدریج در این کار صاحب‌نظر و عالم و توانا خواهند شد.

اینها برخی از فواید و برکات تشکیل شورای تهذیب و تربیت است. مدیران مدارس علمیه با توجه به این بهره‌ها، نسبت به این شورا احساس اضطرار خواهند کرد نه احساس تحمیل و تکلیف زاید و خود را سخت بدان محتاج و مشتاق خواهند دید.

تسری به سطح طلاب

تشکیل شورای تهذیب در مدرسه ذیل «تئوری مردمی‌سازی و عمومی‌سازی



تربیت» می‌گنجد که در جای دیگری به تفصیل توضیح داده خواهد شد. با این وصف، لازم است بهره‌های شورای تهذیب را به سطوح پایین‌تر نیز تسری دهیم؛ یعنی همان گونه که ستاد مرکزی نباید بار مدارس را بر دوش بکشد و به صورت مباشر تصدی‌گری کند شورای تهذیب مدرسه نیز نباید بار تربیت طلاب را کامل بر دوش بگیرد و به شکل اعتلایی و از بالا به آنان امر و نهی کند. طلاب مدارس نیز باید با تشکیل گروه‌های همفکری و همیاری، آرام آرام مشق اندیشه و اقدام کنند و به میدان تلاش تربیتی وارد شوند و به مرور استقلال یابند. پدر خوب پدری است که راه رفتن را به فرزند خود بیاموزد نه آنکه همواره او را بر دوش گیرد. متولیان تربیتی هم به جای آنکه دایم برای طلاب، تعیین تکلیف کنند و طرح و تدبیر دهند باید قدرت تصمیم‌گیری و حل مسأله را در آنان ایجاد کنند و با تأکید بر یک سازه فکری - عملیاتی مؤثر و تشویق آنان به تشکیل یک عقلانیت جمعی در گروه‌های طلبگی آنان را رشد دهند.

شورای تهذیب چه چیز هست؟

شورای تهذیب، عقل منفصل و قوه متفکره مدیر مدرسه علمیه است که سطح درک و تحلیل مسایل تربیتی را بالا می‌برد و به تصمیم‌گیری‌های متقن و حکیمانه برای تربیت جامع طلبه، متناسب با آرمان اسلام و انقلاب یاری می‌دهد. وقتی مدارس علمیه در برنامه‌ریزی تربیتی نقش و دخالت داشته باشند و همه ارکان تربیت درگیر مسایل تربیتی شوند اولاً برنامه تربیتی جامع‌تر می‌شود، ثانیاً احساس مسئولیت و انگیزه بیشتری برای اجرای آن در مدرسه پدید می‌آید و ثالثاً اقتضانات مناطق و الزامات بومی نیز در برنامه‌ریزی تربیتی لحاظ می‌شود؛ بنابراین ستاد مرکزی نیز از دستاوردها و یافته‌های شوراهای تربیت مدارس بهره می‌گیرد.



شورای تهذیب چه چیز نیست؟

گفته شد شورای تهذیب شورای هم‌فکری و هم‌افزایی در مسایل اخلاقی - تربیتی و شورای هم‌آفرینی طرح‌ها و ایده‌های خلاق است؛ اما از باب «تعرف الاشياء باضدادها» برای فهم بهتر و درک کامل‌تر آن باید بررسی کنیم شورای تهذیب چه چیز نیست؟

یک: شورای تهذیب برنامه‌ای در عرض برنامه‌های دیگر نیست؛ مادر برنامه‌های دیگر است. پلت‌فرمی است که درون آن ده‌ها برنامه دیگر را می‌توان



بارگذاری کرد. ساختار پایه‌ای است که طرح‌های دیگر بر روی آن سوار می‌شود. زمین حاصل‌خیزی است که سایر برنامه‌ها در آن شکوفا می‌شود.

دو: شورای تهذیب شورای آموزش نیست. گفتگو درباره نمره و آزمون و کلاس‌بندی و آیین‌نامه‌های آموزشی به شورای تهذیب مربوط نیست. در انتهای شورای آموزشی مدرسه، یک بحث مختصر تربیتی انجام دادن هم کافی نیست و نمی‌توان آن را به حساب جلسات شورای تهذیب گذاشت.

بی‌شک شورای تهذیب و تربیت بر شورای آموزش اولویت دارد؛ یعنی اگر امر، میان تعطیلی شورای آموزش و تعطیلی شورای تهذیب دایر شود، حق تقدم با شورای تربیت است و شورای آموزش تعطیل می‌شود؛ زیرا اگر تهذیب به خوبی کار کند آموزش را بسامان خواهد کرد. اگر روح احساس مسئولیت و انجام وظیفه در طلبه ایجاد شود مشکلات آموزشی هم حل خواهد شد.

سه: شورای تهذیب و تربیت، شورای صیانت و کمیته انضباطی نیست. کمیته انضباطی، شورای صدور حکم قضایی است که تخلف را کشف و حکم جریمه را صادر می‌کند. این کمیته برای برخورد قاطع حقوقی و تصمیم‌گیری قانونی است و با شورای تهذیب که بیشتر در جایگاه طراحی فعال و پیش‌گیری قرار گرفته است فاصله دارد.

چهار: شورای تهذیب یک شورای اداری نیست که صرفاً تدابیر اداری و قوانین خشک حقوقی تولید کند. یک مباحثه خلاق علمی در موضوعات اخلاقی و برنامه‌های تربیتی است که به افزایش سطح فکر و درک تربیتی مدرسه کمک می‌کند. بنابراین در شورای تهذیب تلاش می‌شود مسایل تربیتی به صورت واقعی حل شود نه صرفاً با قیام و قعود ارتجالی و رای اکثریت.

با این توصیف شورای تهذیب بیشتر اتاق فکر است تا اتاق فرمان؛ یعنی اعضای شورای تهذیب نباید برای تصمیم‌گیری و رسیدن به مصوبه عملیاتی عجله



کنند. شورایی که برای تصمیم‌گیری عجله دارد فرصت لازم برای فکر کردن و دستیابی به واقع را پیدا نمی‌کند.

به همین جهت چه بسا مناسب بود به جای کلمه «شورا» از کلمه «کارگروه علمی» یا «گروه مباحثاتی تهذیب و تربیت» استفاده می‌کردیم؛ زیرا شورا بیشتر به یک سازه تصمیم‌گیری اطلاق می‌شود. اما بیم آن می‌رفت که این کارگروه علمی برای مدیر یا مسئولان مدرسه ضروری تلقی نشود و یک برنامه جانبی تلقی گردد به همین جهت عنوان شورا را ترجیح دادیم تا ضمانت آن را در مدرسه بیشتر کنیم.

پنج: شورای تهذیب یک شورای فراقانواده در شوراهای دیگر نیست و نباید با شورای دیگر تلفیق شود، بلکه باید استقلال خود را حفظ کند، حق شایسته خود را متناسب با خطورت و اهمیتش از توان و زمان مسئولان بستاند و بدان درخور جایگاهش اعتنا شود.

شش: شورای تهذیب جلسه سخنرانی و القای یک‌جانبه محتوا نیست، جلسه مباحثه و بارش فکری است و باید با مشارکت همه یا عمده اطراف حاضر در جلسه پیش رود.

موضوعات گفتگو در شورای تهذیب

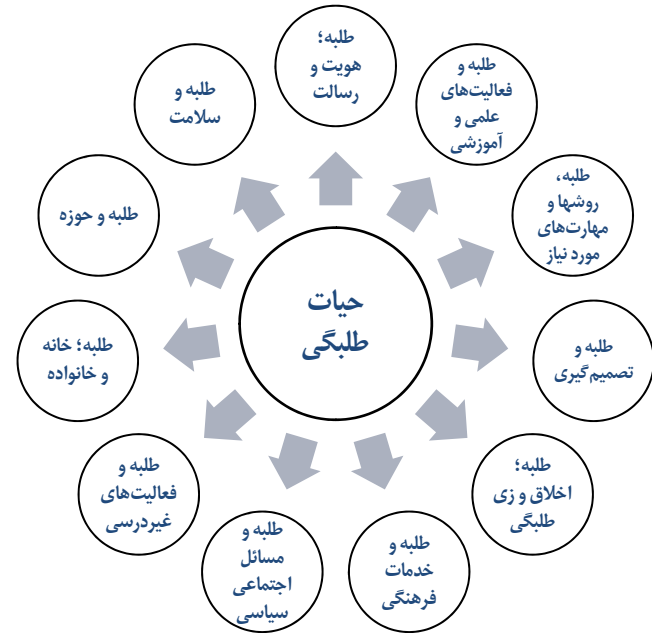
هزار مسأله برای بحث و بررسی در شورای تهذیب وجود دارد. اگر شورای تهذیب در مدارس علمیه روزانه برگزار شود تا سال‌ها برای بحث و گفتگو، موضوع وجود دارد. هزار گره ناگشوده و هزار بحث به سرانجام نرسیده برای مباحثه می‌توان یافت. برای کشف این سوژها چند روش وجود دارد:

الف) مراجعه به پرسش‌های طلاب: ابهام‌هایی که طلاب در مشاوره‌ها مطرح می‌کنند و از استاد و مدیر و مشاور می‌پرسند موضوع گفتگوی شورای تهذیب قرار می‌گیرد. اعضای شورای تهذیب پیش یا پس از پاسخ دادن به طلبه می‌توانند این



سؤال‌ها را به شکل جامع و همه‌جانبه بررسی کنند و در ارایهٔ رهنمود به طلبه، مسلط، هم‌نوا و هماهنگ شوند.

ب) طلبه و ... راه دیگر برای کشف موضوع این شورا فرمول «طلبه و...» است. پس از «واو» و به جای آن سه نقطه، هزار کلمه می‌توان گذاشت. بخشی از این عناوین در نمودار حیات طلبگی آمده است:



▪ **طلبه؛ هویت و رسالت**

- طلبه؛ ورود به حوزه و اقتضات سنین مختلف
- طلبه؛ تثبیت هویت و گذار از دورهٔ پیش از طلبگی
- طلبه؛ احساس هویت و ارزشمندی، ایمان به راه و هدف
- طلبه؛ معنا و نصاب طلبگی
- طلبه؛ فعالیت‌ها و خدمات طلبگی



- طلبه و انتخاب مأموریت
- طلبه و لباس روحانیت
- طلبه؛ روزمرگی و غفلت از آرمان
- طلبه؛ مخالفت‌های والدین و اطرافیان
- طلبه و فارغ التحصیلی
- طلبه؛ شهادت، اجازات، مدارج، مدارک و القاب علمی
- طلبه؛ کسب مدرک تحصیلی و اعتبار اجتماعی
- طلبه؛ تغییر رشته و انصراف از طلبگی

▪ **طلبه و تصمیم‌گیری**

- طلبه؛ برنامه‌ریزی، مدیریت زمان و سبک زندگی
- طلبه و مشکل تعارض ارشادات

▪ **طلبه؛ اخلاق و زی طلبگی**

- طلبه؛ بندگی و سلوک عبادی
- طلبه و اخلاق فردی
- طلبه و اخلاق اجتماعی
- طلبه و جلوه‌های رفتاری (زی طلبگی)
- طلبه؛ معاشرت با مردم و ارتباط با متن زندگی آنان
- طلبه و رابطه با استاد

- طلبه، انگیزش و حفظ نشاط
- طلبه و نظم

- طلبه و حفظ اعتدال

- طلبه؛ عزلت‌گرایی و خلوت‌نشینی
- طلبه و ساده‌زیستی، یا ثروت‌اندوزی



• طلبه؛ تحمل سختی‌ها، و استقامت در زندگی

• طلبه و بایسته‌های حجره‌نشینی

• طلبه و بحران عاطفی

▪ **طلبه و خدمات فرهنگی**

• طلبه؛ تبلیغ و فعالیت‌های فرهنگی

• طلبه و کارآمدی

• طلبه و مدیریت

• طلبه و رسانه و فضای مجازی

• طلبه و هنر

▪ **طلبه و مسایل اجتماعی سیاسی**

• طلبه؛ هوشمندی و بصیرت اجتماعی،

• طلبه؛ درک شرایط روز، آگاهی از اطلاعات و توان تحلیل

• طلبه و اندیشهٔ امام و رهبری

• طلبه و جامعهٔ ولایی

▪ **طلبه و فعالیت‌های غیردرسی**

• طلبه و فعالیت‌های اجرایی

• طلبه و فعالیت‌های فصل تابستان

• طلبه و اشتغالات غیرطلبگی

• طلبه؛ محدودیت‌های اقتصادی و تأمین معیشت

• طلبه و ثبت خاطرات

▪ **طلبه؛ خانه و خانواده**

• طلبه و ارتباط با پدر و مادر و فامیل

• طلبه و ازدواج



• طلبه و دوران عقد

• طلبه و تربیت فرزند

▪ **طلبه و حوزه**

• طلبه و استفاده از شهریه

• طلبه؛ مقررات حوزه و آیین‌نامه‌ها

• طلبه؛ آشنایی با حوزه، رسالت‌ها و کارکردها

• طلبه و اطلاع از شخصیت‌ها و مراکز حوزوی

• طلبه و انس با محیط حوزه

• طلبه؛ مزایا و محدودیت‌های حوزه

• طلبه و تحول حوزه

▪ **طلبه و سلامت**

• طلبه و بهداشت

• طلبه؛ تغذیه، خواب و استراحت

• طلبه و ورزش

• طلبه؛ اوقات فراغت، سرگرمی و تفریحات سالم

▪ **طلبه و فعالیت‌های علمی و آموزشی**

• طلبه؛ برنامهٔ آموزشی و روند تحصیلی حوزه

• طلبه و دانش‌های لازم

• طلبه و قرآن

• طلبه و روایات

• طلبه و علوم حوزوی

• طلبه و درس خارج

• طلبه؛ دین‌شناسی و اجتهاد



- طلبه؛ اطلاعات عمومی و علوم جدید
- طلبه و تحصیل دانشگاهی
- طلبه و علوم انسانی
- طلبه؛ انتخاب درس و انتخاب استاد
- طلبه و مطالعات جنبی و غیردرسی
- طلبه و تدریس

▪ طلبه و فعالیت‌های علمی و آموزشی

- طلبه؛ دروس غیرحضوری، آموزش مکاتبه‌ای و فایل‌های درسی
- طلبه و آموزش اینترنتی و مجازی
- طلبه؛ خرید و فروش کتاب، و تهیه امکانات تحصیلی
- طلبه و جامعه اطلاعاتی و الکترونیکی
- طلبه؛ اندیشه‌ورزی و تعمق
- طلبه و آشنایی با منابع، متون درسی و شروح
- طلبه و تحصیل جهشی و ارتقایی
- طلبه و پژوهش
- طلبه؛ تألیف و نگارش
- طلبه؛ مکالمه عربی و زبان‌آموزی
- طلبه، استعدادیابی و انتخاب رشته تحصیلی
- طلبه و مؤسسات و مراکز تخصصی وابسته به حوزه

▪ طلبه، روش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز

- مهارت‌های نوشتاری
- مهارت‌های تحصیلی
- مهارت‌های تبلیغی



- مهارت‌های مدیریتی
- مهارت‌های تربیتی
- مهارت‌ها و ابزارهای نوین
- طلبه و تکنولوژی آموزشی
- طلبه و فعالیت گروهی

هر یک از این عناوین می‌تواند موضوع چند جلسه شورای تهذیب باشد. در بسیاری از این موضوعات منابع و مقالاتی هم می‌توان یافت که مطالعه آنها پیش از جلسه شورا سودمند است.^۱

ج) کتاب‌ها و متون مرتبط با طلبگی: فهرستی از این کتاب‌ها در پیوست یکم همین متن آمده است. مطالعه جمعی و مباحثه برخی از مهم‌ترین این آثار برای دست‌اندرکاران تربیت طلبه ضروری است. شورای تهذیب بستر مناسبی برای این منظور است.

د) کتاب‌ها و متون مرتبط با تعلیم و تربیت اسلامی و شناخت ویژگی‌های جوان و نوجوان: مرور جمعی و مباحثه این کتاب‌ها سطح فکر و عمق نگاه اعضای شورا و دست‌اندرکاران امر تربیت طلبه را بالا می‌برد. برخی از این کتاب‌ها به شرح زیر است:

- تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری
- فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، گروه نویسندگان زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی

- نقش مربی در تربیت اخلاقی - معنوی، جمعی از نویسندگان

۱. در جزوه «مبانی طلبگی» که توسط مدرسه علمیه آیت‌الله حق‌شناس تهران (فیلسوف الدوله) تهیه شده، از همین روش «طلبه و...» استفاده شده است. این موضوعات، گرچه موضوع بررسی‌های شورای تهذیب و تربیت نبوده ولی از آنها می‌توان برای این شورا الهام گرفت.



- مسئولیت و سازندگی، علی صفایی حائری
- روش‌های تربیتی اخلاقی کاربردی در اسلام، محسن حاجی بابائیان امیری
- راهبرد تربیت اخلاقی در قرآن کریم، محمد عالم‌زاده نوری
- روش‌های تربیت اخلاقی در المیزان، سید احمد فقیهی
- نقش عادت در تربیت اسلامی، تقی علی‌اشرف جودت
- نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، خسرو باقری
- تربیت اخلاقی، محمد داودی

د) علاوه بر مباحث کلی می‌توان برنامه‌های جاری مدرسه را موضوع بحث و گفتگوی شورای تهذیب قرار داد. به این ترتیب، شورای تهذیب به منزله ستاد طرح و برنامه در موضوعات تهذیبی و تربیتی است: برنامه‌های قرآنی و حدیثی، برنامه‌های مشاوره‌ای، برنامه برای خانواده طلاب، برنامه‌های اخلاقی و فرهنگی، برنامه‌های مطالعاتی و معرفتی و مانند آن.

به بیان دیگر این شورا هم می‌تواند اتاق فکر باشد و هم اتاق فرمان. هم معرفت‌افزایی و انتقال تجارب باشد و هم تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری. برخی از نمونه‌های این موضوعات عبارت است از برنامه‌ریزی برای:

- حضور شبانه اساتید در مدرسه،
- درس اخلاق هفتگی و استفاده بهتر از اساتید آن،
- فعالیت‌های فرهنگی مانند اردوها، مراسمات یا فضاسازی محیطی،
- مدیریت تابلوهای اعلانات،
- استفاده بیشتر از طلاب در امور مدرسه و تشکیل گروه‌های همیار،
- انس با طلاب و اشراف خیرخواهانه و همه‌جانبه (اخلاقی، علمی، اقتصادی، خانوادگی و...) بر وضعیت آنان،
- تکریم و عزت‌بخشی و شخصیت‌دهی به طلاب،



- تبیین مسایل و اقتناع طلاب نسبت به قوانین و تصمیمات،
- برخورد حکیمانه با خطاها،
- فضاسازی اخلاقی،
- ارتباط مؤثر با خانواده طلاب،
- زمینه‌سازی برای ازدواج بهنگام و موفق،
- الگوسازی عملی در تربیت طلاب،
- شناسایی، پرورش و هدایت استعدادها،
- بهره‌گیری از اساتید ممتاز و کارآمد،
- استادپروری و استفاده از ظرفیت طلاب و فارغ‌التحصیلان،
- استفاده از طلاب در اداره امور،
- ارزشیابی مداوم وضعیت تربیتی طلاب، برنامه آموزشی و اساتید،
- برنامه‌ریزی و هدایت تحصیلی بر اساس استعدادها و توانمندی‌های متفاوت طلاب،
- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین،



**اولین جلسات شورای تهذیب**

پس از تأسیس شورای تهذیب و در اولین جلسات آن باید به تبیین ماهیت خود شورا پرداخت و مباحثی از قبیل همین نوشته پیش‌رو را در آن به بحث و بررسی گذارد. بهره‌ها و برکات این شورا باید به تفصیل تبیین شود و با مباحثه و گفتگو برای اعضای شورا معلوم گردد. پس از یکی دو جلسه که این گفتگو به سرانجام رسید «شناسایی آسیب‌های اخلاقی و تربیتی» محور بحث و بررسی قرار گیرد و فهرستی از مسایل مورد ابتلای طلاب تهیه شود. سپس این مسایل بر حسب اهمیت، اولویت‌بندی گردد و در جلسات بعد بر اساس اولویت به آن پرداخته شود؛ یعنی ریشه‌های آن تحلیل و راهکارهای آن کشف شود.

**ملاحظات اجرایی شورای تهذیب**

شورای تهذیب محکماتی دارد و مستحباتی؛ یعنی پاره‌ای از امور در شورای تهذیب ثابت و تغییرناپذیر است و برخی دیگر بر حسب شرایط، انعطاف دارد. اگر محکمات و ثابتات شورای تهذیب حفظ شود، دغدغه‌ای برای اجرای متنوع آن در مدارس وجود ندارد.

۱. مدیر مدرسه علمیه، مسئول شورای تهذیب است و شورای تهذیب بستر فکری اوست؛ بنابراین حضور او در جلسات شورای تهذیب ضروری است و جز به اضطرار غیبت نمی‌کند. اگر مدیر مدرسه، دغدغه‌های تربیتی فعال



داشته باشد و از این شورا پشتیبانی فکری و روحی و عملی دریافت کند و بدان پشتیبانی فکری و عملی برساند سطح تربیتی مدرسه بسیار بالا خواهد رفت؛ اما اگر مدیر نسبت به مسایل تربیتی بی‌تفاوت باشد یا طرح و تدبیری برای آن نداشته باشد، سایر عوامل به تنهایی نمی‌توانند کاری کنند و امور تهذیبی و تربیتی بر زمین خواهد ماند. مدیر مدرسه علمیه باید به این باور عمیق رسیده باشد که نیاز به یک ترکیب انسانی مؤثر کنار خود دارد بلکه به داشتن چنین جمع پشتیبانی مضطر است. بنابراین شورای تربیت را صرفاً یک دستور سازمانی برای گزارش‌دهی و رفع تکلیف تلقی نکند.

۲. برگزاری شورا با چرخه منظم نیز از محکمات است. با توجه به اهمیت موضوعات تربیتی و فراوانی آن توصیه می‌شود شورای تربیت مدرسه علمیه، هفتگی برگزار شود. دست‌کم در آغاز راه لازم است این شورا به صورت هفتگی برگزار شود تا قوام خود را بیابد و مراحل اولیه را به خوبی طی کند؛ البته شاید بعد از به روال آمدن امور تربیتی و ایجاد یک فرهنگ مشترک حاکم بتوان آن را به دو هفته یک بار تقلیل داد. ناگفته نماند که مدارس موفق و مدیران دغدغه‌مند این چرخه را هفته‌ای دو بار یا یک روز در میان تعریف کرده‌اند و راز موفقیت آنان دقیقاً در همین اهتمام و التزام است.

۳. حضور چند تن از اساتید مدرسه (دست‌کم دو نفر) در این شورا الزامی و از محکمات این طرح است.

۴. شورای تهذیب و تربیت مدرسه یک بازوی مشورتی برای مدیر است که بیشتر ماهیت هم‌افزایی علمی مهارتی و شأن تصمیم‌سازی دارد؛ البته همان گونه که قبلاً اشاره شد می‌توان از آن برای تصمیم‌گیری نیز استفاده کرد. با این وصف شورای تهذیب بیش از آنکه یک سازه تصمیم‌گیری باشد یک گروه مباحثه است.



۵. معاونت تهذیب در ستاد مرکزی علاوه بر توجیه این طرح و تشویق بر انجام کیفی و مؤثر آن، نسبت به نظارت بر حسن اجرای آن هم وظیفه دارد؛ البته نظارت ستادی فقط در محکّمات و قدر متیقّن‌ها خواهد بود و بر بیش از آن جز تأکید و توصیه نمی‌تواند داشت؛ اما معاون تهذیب استانی موظف است تأسیس شورای تهذیب در همه مدارس استان را پی‌گیری کند و با حضور مستقیم خود در مدارس، دانش و تجارب لازم را به آنان انتقال دهد، انگیزه مسئولان مدرسه را تقویت کند و بر برگزاری مؤثر و کیفی این شورا در مدارس نظارت داشته باشد و با حضور و اشراف و توصیه‌های مداوم خود، شورای تهذیب را از یک سازه صوری و رفع تکلیفی به یک ظرفیت ممتاز فکری - عملیاتی ارتقا بخشد.

۶. مدیر شورا باید تلاش کند که این جلسه با کیفیت و شکل برگزار شود و از ظرفیت اعضا بهترین استفاده صورت گیرد. اعضای جلسه هم باید احساس خوبی از غنا و محتوای جلسه داشته باشند و کسی احساس اتلاف وقت نکند. وقت جلسه به مباحث سیاسی یا حال و احوال شخصی و خانوادگی یا گعده‌های صمیمی طلبگی نگذرد. با برگزاری ضعیف این شورا تجربه تلخ و خاطره آزاردهنده‌ای برای اعضا، خصوصاً برای مدیر و معاون مدرسه باقی می‌ماند و دوام و استمرار آن به خطر می‌افتد و شورا به جای آنکه عون مدیر باشد و به تهذیب کمک کند به تعذیب مدیر و معاون می‌انجامد و بیشتر نقش مانع را ایفا می‌کند.

۷. محتوای جلسه باید به تناسب اهمیتش در جلسه بحث شود. نه یک مسأله پیش پا افتاده، جلسات متعدد به طول انجامد و نه یک مسأله پیچیده و بغرنج، ارتجالی و ناقص جمع شود. جدیت دبیر جلسه، به جدیت جلسات و اعضای آن منتهی می‌شود.



۸. لازم نیست همه جلسات شورای تربیت، مصوبه اجرایی داشته باشد. گاهی ۵۳ عجله برای رسیدن به مصوبه عملیاتی مانع از دقت و حوصله در رسیدن به زوایای نهفته موضوع است. معمولاً کار علمی و پژوهشی و رسیدن به یک دیدگاه جامع به حوصله و تأنی نیاز دارد و با شتابزدگی و سراسیمگی سازگار نیست. ابهام و آشفتگی اول راه جز با بحث و گفت‌وگوی فراوان و صبر و کاوش و پایداری حل نمی‌شود.

۹. مناسب است که محتوای جلسه به خوبی مستندسازی شود؛ نام حاضران، تاریخ تشکیل شورا، شرح مذاکرات و مصوبات جلسه توسط دبیر در فرم مشخصی ثبت گردد.

۱۰. مناسب است تقویم برگزاری جلسات شورای تهذیب در طول سال به دست اعضا برسد و تمام جلسات آن از پیش معلوم باشد. حتی می‌توان از موضوعات و مباحث مطروحه در شورای تربیت، دست کم برای چندین جلسه پیش‌بینی اجمالی کرد.

۱۱. اعضای شورای تهذیب باید با طرح‌های معاونت تهذیب و تربیت آشنا باشند و در ارتقا و عملیاتی کردن آنها کمک کنند.

۱۲. پیشنهاد می‌شود شورای تهذیب در هر مدرسه، تشکل‌های طلبگی مانند بسیج، حلقات تربیتی، هیئت، کانون‌های فعال فرهنگی و گروه‌های همیاران را زیر پوشش بگیرد.

۱۳. مناسب است شوراهای تهذیب مدارس مختلف با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و از تجارب و دستاوردهای هم نیز استفاده نمایند.

۱۴. همان طور که مدیر مدرسه علمیه نیاز به امداد فکری و عملی شورای تهذیب دارد مدیر استانی نیز در حل و فصل مسایل استان به شورای تهذیب نیاز دارد و باید از ظرفیت فکری، روحی و عملی این شورا در سطح استان



بهره گیرد. استفاده از مدیران فعال یا معاونان تهذیب برجسته مدارس استان و نیز استفاده از کارشناسان بیرونی در این شورای استانی بسیار مناسب است.

شیوه گفتگو و تفکر در شورای تهذیب

چند الگو برای بحث و بررسی و تفکر در شورای تهذیب و تربیت مدارس علمیه قابل پیشنهاد است:

الگوی منطق صوری

در کتاب‌های منطق صوری، معمولاً این مراحل برای تفکر پیشنهاد می‌شود:

۱. مواجهه با مجهول
۲. مراجعه به معلومات (جمع‌آوری پیشینه)
۳. پردازش معلومات
۴. کشف حد وسط
۵. معلوم شدن مجهول

بر اساس این الگو لازم است ابتدا مسأله به خوبی تقیح شود و همه ابهامات پیرامون آن به شکل شفاف فهرست گردد. سپس یکی از ابهامات بر اساس اولویت برای بحث و بررسی انتخاب شود. بعد از آن همه اطلاعاتی که افراد پیرامون آن دارند ارائه شود. در این مرحله می‌توان به منابع مکتوب یا کارشناسان صاحب‌نظر نیز مراجعه کرد. پس از آن با بحث و بررسی گروهی به کشف حد وسط و ایجاد جرقه‌های ذهنی دست می‌یابیم؛ مثلاً اگر موضوع بحث «لباس روحانیت» است قبل از هرگونه اظهار نظری، ابتدا باید سؤال‌های بحث، کشف و به صراحت بیان شود و دقیقاً محل بحث معلوم گردد. زیرا موضوع لباس روحانیت گسترده و مشتمل بر پرسش‌های متعددی است که پرداختن به همه‌ی آنها کار را دشوار و گره را کور می‌کند و ممکن است تنها برخی از آنها مورد ابتلای طلاب ما باشد:



- آیا لباس روحانیت ضروری است؟
- مشکلات و موانع تلبس طلاب چیست؟
- دلیل بی‌انگیزگی طلبه برای تلبس چیست؟
- طلبه چه زمانی معمم شود؟
- چه شرایطی برای پوشیدن لباس روحانیت لازم است؟
- قبل از معمم شدن چه مراحل و چه آموزش‌هایی لازم است؟
- این شرایط چگونه احراز می‌شود؟ طلبه چگونه مطمئن شود که این شرایط را واجد است؟
- پس از معمم شدن چه ملاحظات باید رعایت شود؟
- چگونه می‌توان طلبه را به معمم شدن مشتاق و انگیزه‌مند ساخت؟ برای فرهنگ‌سازی تلبس چه باید کرد؟
- آسیب‌های زود معمم شدن و دیر معمم شدن چیست؟
- صدور مجوز تلبس چه مشکلات یا آسیب‌هایی دارد؟
- آیا دولباسی رواست؟ چرا؟
- آیا پیوند معمم شدن به پاره‌ای از امتیازات، شایسته است؟
- شبهات پیرامون لباس روحانیت چیست؟
- ...

از میان این سؤال‌ها یکی را برای بحث و گفتگو انتخاب می‌کنیم تا به استقلال درباره آن بحث کنیم؛ زیرا جلسه بحثی که همه این موضوعات متنوع را در بر دارد یک جلسه آشفته، پراکنده و گیج‌کننده است.

مناسب است پیش از مباحثه، منابع موجود در آن موضوع نیز اجمالاً دیده شود. قرآن و حدیث، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات، سایت‌ها، اظهار نظرها و بیانات کارشناسان که از طریق مصاحبه یا گفتگو جمع‌آوری می‌شود و مانند آن منابعی هستند



که مناسب است دبیر جلسه آنها را جمع‌آوری کرده و در اختیار سایر اعضا قرار دهد. همان‌گونه که مشهود است موضوع لباس روحانیت را در یکی دو جلسه نمی‌توان به سامان رسانید و باید با حوصله و تأنی و در جلسات متعدد حل و فصل کرد.^۱

الگوی برنامه‌ریزی راهبردی

رسالت اصلی شورای تهذیب به عنوان بازوی فکری مدیر و معاون تهذیب مدرسه، «ارتقای سطح بینش و نگرش تربیتی» و پس از آن «مدیریت فرایند تهذیب و تربیت در مدارس» است، فرایند تهذیب و تربیت در قالب ساختار شبکه‌ای تهذیب و تربیت^۲ و مدیریت آن در بستر «شورای تهذیب و تربیت» واقع می‌گردد، بنابراین شایسته است جلسات شورای تهذیب با بهره‌گیری از «تفکر راهبردی»،^۳ ضمن «نگاه جامع»^۴ در عرصه تهذیب و تربیت، به برنامه‌ریزی مسایل و امور تهذیبی و تربیتی مدرسه پردازد.

۱. در پیوست شماره دو روشی برای تفکر و نوآوری در محتوا عرضه شده است که با تفصیل بیشتری همین الگوی منطقی صوری را به شکل کاربردی ارائه کرده است.

۲. ساختار شبکه‌ای تهذیب در متن دیگری به تفصیل عرضه خواهد شد.

۳. «تفکر راهبردی» یک واژه مهم در دانش مدیریت و برنامه‌ریزی است که از نگاه جامع، عمیق، بلندمدت، مبتنی بر اهداف، ضامن جهت‌گیری مجموعه و تبیین‌کننده دورنما و افق پیش‌رو، متناسب با فرصت‌ها و تهدیدهای آینده و... حکایت می‌کند. بهترین ویژگی مدیران در مقام تدبیر و تصمیم‌سازی، داشتن تفکر راهبردی است، اعضای شورای تهذیب نیز برای برنامه‌ریزی تهذیبی و تربیتی، لازم است به تفکر راهبردی مجهز گردند.

۴. در نگاه جامع به نظام موضوعات و مسایل تهذیب و تربیت، همه ابعاد و ساحات تهذیبی و تربیتی نظیر امور اخلاقی و معنوی، امور عبادی، امور انگیزشی و گرایشی، امور اعتقادی و بینشی، امور تحصیلی، امور صنفی و معیشتی و... مورد توجه قرار می‌گیرد، در نتیجه برنامه‌ریزی‌ها جامع و کامل خواهند بود.



ارکان «برنامه‌ریزی راهبردی» عبارت است از:

۱. تبیین وضعیت مطلوب (وضعیت مطلوب طلبه در همه ساحات تهذیبی و تربیتی، وضعیت مدرسه مطلوب، وضعیت مدیریت مطلوب مدرسه و...).
۲. ترسیم وضعیت موجود (تعیین نقاط قوت، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها و... و نیز شناسایی نقاط ضعف آسیب‌ها، مشکلات و بحران‌های موجود^۱ و...).
۳. راهکارهای رسیدن از وضعیت موجود به مطلوب (راهکارهای ترمیم، رشد و بالندگی)

۱. وضعیت مطلوب

هر حرکتی نیازمند تعیین مقصد است، شناخت اهداف و وضعیت مطلوب به همه اقدامات و فعالیت‌ها جهت می‌دهد، همه تصمیمات، تدابیر و برنامه‌های تهذیبی و تربیتی می‌بایست در جهت تحقق اهداف تعریف شوند. ارزیابی فعالیت‌ها نیز بر اساس تحقق اهداف و میزان دستیابی به وضعیت مطلوب ممکن می‌گردد، بنابراین قدم اول در برنامه‌ریزی تبیین اهداف و مقاصد است. در ساخت تهذیب و تربیت نیز می‌بایست با جامع‌نگری، وضعیت مطلوب در همه ساحات نظیر امور اخلاقی و معنوی، امور عبادی، امور انگیزشی و بینشی و... تبیین گردد، همچنین وضعیت مطلوب نسبت به همه موضوعات و ارکان مدرسه نظیر محتوا (محتوای علمی و تربیتی)، برنامه (برنامه‌های علمی و تربیتی)، ساختار (روابط، قوانین، فرایندها، سیستم مدیریت و...)، نیروی انسانی (طلاب، اساتید، مدیران

۱. گاهی برخی شرایط و مسایل اجتماعی و پیرامونی در محیط زندگی و تحصیل، نیازمند تدبیر و اتخاذ تصمیم و موضع‌گیری مدیریتی و اجرایی است، به عنوان مثال بیماری کرونا، فضای مجازی و امثال آن به خاطر آسیب‌های قابل توجه در امور مرتبط با طلاب می‌بایست به عنوان یک مسئله و آسیب مورد تدبیر قرار گیرند. از این رو در مرحله ترسیم وضعیت موجود مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند.



و...) تشریح و تفصیل یابد. این جامع‌نگری سبب خواهد شد در برنامه‌ریزی‌ها نسبت به برخی موضوعات و ساحات غفلت صورت نگیرد. این مرحله می‌تواند در پژوهش‌هایی خارج از جلسات شورای تهذیب صورت پذیرد و نتایج آن در جلسات شورا مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

۲. وضعیت موجود

آنچه مسلم است، همیشه وضعیت موجود با وضعیت مطلوب فاصله دارد، شناخت دقیق این فاصله‌ها در همه ابعاد و ساحات‌ها و موضوعات، به کم‌کردن فاصله‌ها کمک می‌نماید. وضعیت موجود از دو شاخصه نقاط قوت و نقاط ضعف برخوردار است که در مقایسه با وضعیت مطلوب شناخته می‌شوند، شناخت نقاط قوت به برنامه‌ریزی جهت رشد و ارتقا و بالندگی یک مجموعه یاری می‌رساند و شناخت نقاط ضعف نیز شرط لازم برای اقدامات اصلاحی خواهد بود. در واقع با شناخت عیوب و آسیب‌ها، بهتر می‌توان به راهکارهای دقیق برای اصلاح و ترمیم دست یافت. آسیب‌شناسی تهذیبی و تربیتی در محیط مدرسه به واسطه نظرخواهی از طلاب و اساتید و نیز نظر کارشناسی اساتید اخلاق و مشاور و نیز نظرات مدیران مدرسه قابل دستیابی است، همچنین آسیب‌شناسی‌های متعددی در گذشته صورت گرفته است که قابل بهره‌برداری است. پس از تهیه لیستی از نقاط قوت و ضعف در ابعاد و موضوعات گوناگون، لازم است به «اولویت‌گذاری» نظام موضوعات پرداخت و به تناسب اهمیت‌ها و ضرورت‌ها، مهم‌ترین مسایل تهذیبی و تربیتی مدرسه را جهت طرح در شورای تهذیب تعیین نمود.

۳. راهکارهای رسیدن از موجود به مطلوب

پس از تهیه نظام موضوعات تهذیبی و تربیتی و تعیین وضعیت مطلوب و موجود در آنها، در این مرحله برای رسیدن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب



با بهره‌گیری از نقاط قوت و رفع نقاط ضعف لازم است راهکارهای روشنی به دست آید. این راهکارها با بهره‌گیری از نظرات کارشناسی، روش‌های تربیتی، تجربیات موفق، ایده‌های تربیتی، نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها و... قابل استحصال و در قالب برنامه‌هایی قابل اجرا و پی‌گیری است. محصول این سه مرحله، برنامه‌های گوناگون در ساحات و موضوعات است که در قالب شبکه تهذیبی مدارس اجرا می‌شود.

نظام موضوعات

این جدول نقشه جامع نظام موضوعات مدارس علمیه را به تصویر کشیده است، تکمیل این جدول یک فرایند طولانی و زمان‌بر خواهد بود و مورد انتظار نیست؛ ولی با نگاهی به این جدول می‌توان جایگاه بحث و اولویت‌ها را تعیین نمود. لازم به ذکر است ارکان یک سازمان عبارت‌اند از محتوا (محتوای علمی، آموزشی، پژوهشی، تهذیبی و مهارتی)، برنامه (فعالیت‌ها، اقدامات و فرایندها)، ساختار (ساختار سازمانی، قوانین، آیین‌نامه‌ها، روابط، ساختمان و محیط، سیستم مدیریت و...)، نیرو (مدیر، معاونان، اساتید، طلاب) که در یک برنامه‌ریزی جامع مورد توجه قرار می‌گیرند، البته از میان عناصر مذکور، طلاب در اولویت هستند اما نمی‌توان از عناصر دیگر و نقش آنها در تهذیب و تربیت چشم‌پوشی کرد.



وضعیت مطلوب	وضعیت موجود				راهکارها				برنامه
	مؤثر	مختار	مؤثر	مختار	مؤثر	مختار	مؤثر	مختار	
انگیزشی									ش ۱
اخلاقی - معنوی									ش ۲
عبادی									ش ۳
بصیرتی									ش ۴
مهارتی									ش ۵
صنفی									ش ۶
علمی									ش ۷
اعتقادی									ش ۸
اجتماعی									ش ۹
روحی - روانی									ش ۱۰
جسمی									ش ۱۱
...									

نمونه‌ها

از آنجا که مهم‌ترین رکن در یک مدرسه علمی، نیروی انسانی و از میان آنها طلاب هستند، ۱۱ مثال در جداول زیر ناظر به ۱۱ بعد از ابعاد تهذیبی و تربیتی طلاب بیان شده است و تلاش شده متناسب با جدول فوق، موضوعاتی مشخص و تحت عنوان وضعیت مطلوب، وضعیت موجود (نقاط قوت و ضعف)، راهکارهای اصلاح و ترمیم و ارتقا مورد بررسی قرار گیرند. همچنین ذیل هر جدول مثال‌های دیگری از همان بعد تهذیبی و تربیتی آمده است که می‌تواند به تناسب مسایل مدرسه و اقتضانات آن، در جلسات شورای تهذیب بحث و بررسی شود.^۱

۱. در بیان مثال‌ها و راهکارها از کتاب «الگوی تربیت جامع طلاب» که تحت اشراف حجت‌الاسلام ←



جدول شماره ۱ (انگیزشی - نیرو - طلاب)		
۱	تعیین موضوع بر اساس اولویت‌گذاری‌ها	مسایل انگیزشی طلاب (هویت‌بخشی و انگیزه‌سازی در طلاب): طلاب در طول تحصیل همواره محتاج مرور، تعمیق و تصعید انگیزه‌ها هستند و بدون درک درست از هویت و رسالت خود نمی‌توانند در مقابل موانع راه مقاومت کنند و یا به صورت بهینه از زمان و توان خود بهره بگیرند.
۲	تبیین وضعیت مطلوب در موضوع مورد نظر	ویژگی‌های مطلوب یک طلبه در ساحت انگیزه عبارت‌اند از: - انگیزه بالا برای تحصیل؛ - اشتیاق برای تهذیب و خودسازی؛ - دغدغه مسایل فرهنگی و اجتماعی.
۳	ترسیم وضعیت موجود بر اساس وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی صورت‌گرفته	نقاط ضعف: - تصور غیرواقعی از فضای معنوی حوزه؛ - سستی و بی‌انگیزگی و عدم نشاط در مسیر طلبگی و تحصیل علم و تقوی؛ - افراط و تفریط در حساسیت نسبت به مسایل فرهنگی و اجتماعی؛ نقاط قوت: - وجود اساتید و طلاب بانشاط و با روحیه قوی و جهادی در مدرسه؛ - وجود سرمایه ارزشمند سیره علما و فضایی حوزه علمی؛ - وجود معیارهای صحیح برای برنامه‌ریزی حضور اجتماعی طلاب؛

→ و المسلمین محمدجواد نطافت یزدی نوشته شده و به بیان مبانی، راهبردها و راهکارهای فرهنگی تهذیبی، آموزشی، پژوهشی و مدیریتی پرداخته، استفاده شده است. این کتاب یکی از بهترین منابع برای غنای مباحث شورای تهذیب می‌باشد و در موضوعات گوناگون وضعیت مطلوب و راهکارهای خوبی ارائه کرده است.



۴	راهکارهای اصلاح و رشد و ارتقا	- برگزاری گندهای طلبگی با موضوع مسایل اجتماعی و رسالت حوزه و روحانیت در ارتباط با مسایل جامعه با حضور اساتید و طلاب برجسته؛ - پخش مستند از سیره علما و برگزاری مسابقه کتابخوانی جهت افزایش انگیزه تحصیل و تهذیب؛ - برگزاری کارگاه با عنوان «ضرورت و میزان فعالیت اجتماعی طلاب»؛
۵	برنامه مصوب	گنده طلبگی - پخش مستند - مسابقه کتابخوانی - کارگاه

دیگر موضوعات مربوط به بُعد انگیزشی طلاب:

- هویت طلبگی و بحران هویتی،
- جایگاه اجتماعی حوزه و روحانیت،
- کارآمدی حوزه و روحانیت در رابطه با نیازهای جامعه و نظام و کشور،
- مساله سلب اعتماد طلبه از مدیر و کادر مدرسه یا از نظام آموزشی پرورشی حوزه‌های علمیه

جدول شماره ۲ (اخلاقی معنوی - نیرو - طلاب)		
۱	تعیین موضوع بر اساس اولویت‌گذاری‌ها	ارتباط معنوی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲	تبیین وضعیت مطلوب در موضوع مورد نظر	توجه به حضور امام عصر، انس و ارتباط معنوی با ایشان
۳	ترسیم وضعیت موجود بر اساس وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی صورت‌گرفته	نقاط قوت: - تعلق فضای طلبگی به امام عصر عج و اشتها طلبه به سربازان امام زمان و پیوند هویت طلبگی با مقوله مهدویت. - وجود ادعیه و زیارات و مناجات فراوان با امام عصر. - وجود آثار هنری و رسانه‌ای و کتب متعدد در این مقوله.



۴	راهکارهای اصلاح و رشد و ارتقا	نقاط ضعف: - ضعف در تذکر و یادآوری نسبت به رسالت حوزه و متناسب با عصر غیبت مهدوی. - فراموشی یاد حضرت و انس با ایشان در میان برنامه‌های متراکم آموزشی.
۴	راهکارهای اصلاح و رشد و ارتقا	- توسل جمعی به حضرت هر روز صبح قبل از شروع برنامه‌های مدرسه و آغاز دروس. - بهره‌مندی از آیات و روایات مهدوی خصوصاً معرفت امام. - بازگویی داستان‌های تشریف و شیفگی علما و فضلا محضر حضرت در درس‌های اخلاق و کلاس‌های درس. - بهره‌گیری از آثار هنری و رسانه‌ای (کتاب، فیلم، ...)
۵	برنامه مصوب	مراسم توسل - نشر آیات و روایات - بیان داستان‌های تشریف - مسابقه کتابخوانی و پخش مستند

دیگر موضوعات در بُعد اخلاقی و معنوی طلاب:

- انس با خدا و اهتمام به زیارت اهل بیت علیهم‌السلام،
- اهتمام به تهذیب نفس و اجتناب از محرمات و رذایل اخلاقی،
- تقویت اخلاص و پرهیز از انگیزه‌های غیر الهی،
- مصونیت در برابر آفات و بلیات (مانند فقر و غنا، ملامت‌ها و تعریف‌ها، قدرت، ثروت، شهرت...)
- روحیه و فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت
- روحیه نظم در تحصیل و زندگی
- ساده‌زیستی و پرهیز از تشریفات و تجمل



دیگر موضوعات در بُعد عبادی طلاب:

- طلبه و تعبد حداکثری به مناسک شرعی و احکام عبادی،
- غفلت از ظواهر دین به بهانه توجه به باطن دین.

جدول شماره ۴ (بصیرتی - نیرو - طلاب)		
۱	تعیین موضوع بر اساس اولویت‌گذاری‌ها	بصیرت طلاب نسبت به اقتضانات و مخاطرات فضای مجازی و هجمه همه‌جانبه دشمنان در این فضا
۲	تبیین وضعیت مطلوب در موضوع مورد نظر	شناخت کافی طلاب نسبت به اقتضانات و آسیب‌های فضای مجازی (سواد رسانه) و آمادگی لازم (معنوی، علمی و مهارتی) در مواجهه با خطرات فضای مجازی
۳	ترسیم وضعیت موجود بر اساس وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی صورت‌گرفته	نقطه ضعف: - فقدان سواد رسانه و ضعف آگاهی و مهارت طلاب نسبت به آسیب‌های فضای مجازی. نقطه قوت: - وجود اساتید و طلاب آشنا با اقتضانات فضای مجازی در مدرسه.
۴	راهکارهای اصلاح و رشد و ارتقا	برگزاری دوره آموزشی سواد رسانه با استفاده از ظرفیت اساتید و طلاب مدرسه، تقویت ابعاد معنوی جهت مصونیت‌سازی طلاب در فضای مجازی و...
۵	برنامه مصوب	دوره آموزشی سواد رسانه (تعیین اهداف، مراحل، زمان‌بندی، بودجه، متصدی و...) - برگزاری جلسه درس اخلاق با محوریت فضای مجازی و...

دیگر موضوعات در بُعد بصیرتی طلاب:

- دشمن‌شناسی و مصادیق نفوذ و هجمه دشمن در زندگی طلبگی،
- روحیه استکبارستیزی و عدالت‌طلبی،

جدول شماره ۳ (عبادی - نیرو - طلاب)		
۱	تعیین موضوع بر اساس اولویت‌گذاری‌ها	کمال اهتمام نسبت به مناسک شرعی خصوصاً نماز
۲	تبیین وضعیت مطلوب در موضوع مورد نظر	روحیه تعبد و تقید طلاب به مناسک شرعی به نحو کامل با رعایت مستحبات (شرکت در نماز جماعت اول وقت و رعایت آداب و مستحبات نماز)
۳	ترسیم وضعیت موجود بر اساس وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی صورت‌گرفته	نقطه ضعف: - کم‌رنگ شدن آداب و مستحبات در انجام مناسک شرعی، - سهل‌انگاری در ادای نماز جماعت در اول وقت و انجام نافله‌ها و تعقیبات نماز، نقطه قوت: - وجود فضای مناسب معنوی در مدرسه برای پرداختن به عبادات و رعایت مناسک شرعی، - برگزاری نماز جماعت در مدرسه.
۴	راهکارهای اصلاح و رشد و ارتقا	- برگزاری باشکوه مراسم نماز جماعت و ایجاد فرصت و فراغت کافی برای پرداختن به مستحبات، - بهینه‌سازی، ارتقا و جذاب‌سازی محیط عبادت و نماز، - ارائه الگوهای موفق در زمینه‌های عبادی از اهل بیت، علما و شهدا، - الگوسازی عملی به واسطه رفتار مدیر، معاونان و اساتید مدرسه، - پخش مناجات در سحر و ترغیب به نماز شب و دیگر نوافل،
۵	برنامه مصوب	باشکوه‌سازی نماز جماعت و محیط عبادت - ارائه الگوهای موفق - الگوسازی - پخش مناجات - تذکرات در درس اخلاق و کلاس‌های درس



- تفکر انقلابی و احساس مسئولیت نسبت به نظام،
- نگاه گسترده و جهانی،
- اهتمام به مسایل امت اسلام و نگاه تقریبی،
- تقویت بصیرت سیاسی،
- اندیشه سیاسی اجتماعی امام و رهبری،
- طلبه و جامعه ولایی و معنویت انقلابی،



۴	راهکارهای اصلاح و رشد و ارتقا	- برگزاری کارگاه‌های مهارتی و استفاده از ظرفیت طلاب و اساتید توانمند و تعریف مدارج و مدارک برای طلاب شرکت‌کننده، - تشویق طلاب توانمند و صاحب فن جهت ایجاد انگیزه، - ایجاد فضای به‌کارگیری مهارت‌ها و فنون در محیط مدرسه،
۵	برنامه مصوب	برگزاری کارگاه‌های مهارتی تبلیغ - ایجاد فضای فعالیت تبلیغی در مدرسه و حمایت از طلاب توانمند - تشویق طلاب توانمند

دیگر موضوعات در بُعد مهارتی:

- مسئولیت‌پذیری و کار تشکیلاتی (کارگروهی).
- مدیریت و برنامه‌ریزی،
- افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از زمان،
- مهارت زیبانویسی و نگارش ادبی و علمی،
- روش تحلیل مسایل،
- مهارت‌های آی‌تی و فضای مجازی و فن‌آوری اطلاعات،
- مهارت‌های مختص به کارویژه‌های روحانیت (مهارت‌های تبلیغی، مهارت‌های پژوهشی، مهارت‌های مدیریتی و...)
- مهارت‌های مباحثه، حجه‌نشینی، انتخاب همسر و...

جدول شماره ۵ (مهارتی - نیرو - طلاب)		
۱	تعیین موضوع بر اساس اولویت‌گذاری‌ها	مهارت تبلیغی طلاب در انجام وظایف و رسالت طلبگی
۲	تیین وضعیت مطلوب در موضوع مورد نظر	در میان مجموعه‌ای از مهارت‌های گوناگون طلبگی برای ایفای نقش‌های گوناگون روحانیت، مهارت‌های تبلیغی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و یک طلبه می‌بایست با فنون مخاطب‌شناسی، ارتباط مؤثر، گویندگی (منبر و کنفرانس)، اردوداری و حلقه‌داری، مناظره، ظرفیت‌های فضای مجازی، مناجات‌خوانی، ذکر مصیبت و... آشنایی و تخصص کافی داشته باشد.
۳	ترسیم وضعیت موجود بر اساس وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی صورت‌گرفته	نقطه ضعف: - فقدان دوره‌های مهارتی منسجم در برنامه آموزشی حوزه‌ها، - ضعف عموم طلاب در اکثر مهارت‌های تبلیغی، - عدم سیستم ارزیابی و اعطای مدارج به طلاب توانمند. نقطه قوت: - وجود طلاب توانمند و دارای مهارت در میان طلاب مدرسه، - وجود اساتید صاحب فن و مهارت در مدرسه، - وجود منابع مکتوب و مباحث کافی در رابطه با مهارت‌های گوناگون.



جدول شماره ۶ (صنفی - نیرو - طلاب)		
۱	تعیین موضوع بر اساس اولویت‌گذاری‌ها	لباس روحانیت، تشویق به تلبس و رعایت شئون
۲	تبیین وضعیت مطلوب در موضوع مورد نظر	- تلبس به لباس مقدس روحانیت با هدف اعلام آمادگی برای خدمات اجتماعی - حفظ شأن و منزلت لباس روحانیت به عنوان نمادی از اسلام و تشیع و ارزش‌های دینی.
۳	ترسیم وضعیت موجود بر اساس وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی صورت‌گرفته	نقطه ضعف: - بی‌میلی برخی طلاب به تلبس. - تلبس با اهداف مادی و انگیزه‌های غیر الهی. - عدم رعایت شئون لباس و یا دو لباسه بودن. - تضعیف پایگاه اجتماعی روحانیت و برخورد نامناسب با روحانیون. - وجود شبهات قوی در رابطه با تلبس مثل مانع ارتباط یا خلاف عرف بودن لباس و... نقطه قوت: - پذیرش اجتماعی نسبی و احترام بسیاری از اقشار به لباس روحانیت. - وجود منابع مکتوب غنی در رابطه با تلبس.
۴	راهکارهای اصلاح و رشد و ارتقا	- انگیزه‌سازی نسبت به تلبس با بیان آثار و برکات لباس روحانیت - معرفی الگوهای صالح در حفظ شأن لباس و آراستگی ظاهر، - برگزاری کارگاه تلبس و رفع شبهات، - تشویق به مطالعه کتب و منابع موجود.
۵	برنامه مصوب	کارگاه - مسابقه کتابخوانی - انگیزه‌سازی و ارائه الگو در جلسات اخلاق و کلاس‌های درس.



- دیگر موضوعات مربوط به بُعد صنفی طلاب:
- چشم‌انداز طلبگی (ضرورت تبیین آینده کاری طلاب)
 - تقویت انتخاب آزادانه و آگاهانه در طلاب،
 - معیشت و اقتصاد طلبه، درآمدهای فعالیت‌های طلبگی

جدول شماره ۷ (علمی - نیرو - طلاب)		
۱	تعیین موضوع بر اساس اولویت‌گذاری‌ها	آموزش تربیت محور
۲	تبیین وضعیت مطلوب در موضوع مورد نظر	برنامه آموزشی فرصت بسیاری را از زمان فعالیت یک طلبه به خود اختصاص می‌دهد و اساتید آموزش و پژوهش بیشترین مرادده و ارتباط را با طلاب دارند، از این رو می‌بایست برنامه‌های آموزشی طلاب سرشار از تذکرات و تنبیهات و تعلیمات تهذیبی و تربیتی باشد و از این ظرفیت برای رشد و ارتقای طلاب در جهت تعبد، تقوی و اخلاق نهایت بهره‌برداری صورت گیرد، چرا که طلبه عالم بی‌اخلاق قطعاً به اسلام ضرر و ضربه می‌زند.
۳	ترسیم وضعیت موجود بر اساس وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی صورت‌گرفته	نقطه ضعف: - تأکید بیش از اندازه به علم‌آموزی و توجه افراطی به درس و کم‌توجهی به مسایل اخلاقی و تهذیبی (که بعضاً منجر به مشکلات روحی و آسیب‌های خانوادگی شده است). - عدم احساس مسئولیت تربیتی و تهذیبی توسط معاونان غیرتهذیب و اساتید غیراخلاق در مدارس نقطه قوت: - مهذب و اخلاقی بودن مدیران و اساتید مدرسه - سرمایه ارزشمند میراث سلف و قله‌های تهذیب در مقوله اخلاق و تربیت. - متون علمی فراوان ناظر به دانش اخلاق و تهذیب و تربیت.



۴	راهکارهای اصلاح و رشد و ارتقا	- ایجاد انگیزه تربیتی و تهذیبی میان اساتید و مدیران مدرسه. - به تعادل رساندن سهم برنامه‌های آموزشی و تهذیبی مدرسه. - بهره‌مندی اساتید مدرسه از متون علمی اخلاق و تربیت و ارائه الگوهایی از میان قله‌های تهذیب و اخلاق.
۵	برنامه مصوب	بهره‌مندی اساتید آموزشی از منابع و محتواهای علمی اخلاقی و تهذیبی و الگوسازی اخلاقی، برگزاری کارگاه‌های آموزش تربیت‌محور برای اساتید.

دیگر موضوعات در بُعد علمی:

- انس با قرآن و حدیث و معارف قرآنی و روایی،
- اندیشه امام و رهبری و آثار شهید مطهری (ابعاد علمی)،
- تولید علم دینی و اسلامی سازی علوم،
- تمدن اسلامی و الزامات علمی آن،
- نقد علمی تمدن غرب،
- فرهنگ و آداب علم‌آموزی،
- تفکر منطقی و استدلال‌محور (مستدل، حکمت‌آمیز، پرهیز از تعصبات، پرهیز از پیش‌داوری، پرهیز از حبّ و بغض‌ها)
- تقویت روحیه آزاداندیشی و خلاقیت و نوآوری علمی در مباحث،
- تقویت تأمل و تدبّر و روحیه نقّادی بر مبنای پرسشگری،
- تقویت قوه حافظه و افزایش محفوظات،
- مطالعات ضروری غیر درسی،

۱. موضوعات علمی قابل تقسیم به محتوای علمی، روش‌های علمی و مهارت‌های علمی است، اما در اینجا جهت اختصار از این تقسیم و تفصیل خودداری شده است.



- کاربردی‌سازی آموزش،
- فضای بانشاط علمی،
- زبان خارجی،

جدول شماره ۸ (اعتقادی - نیرو - طلاب)		
۱	تعیین موضوع بر اساس اولویت‌گذاری‌ها	نظام اندیشه جامع (فکری و اعتقادی)
۲	تبیین وضعیت مطلوب در موضوع مورد نظر	بر اساس آیه نفر، «تفقه در دین» و «انذار» دو هدف اصلی سازمان روحانیت است و بی‌شک تفقه در دین فراتر از تفقه در استنباط احکام شرعی است؛ اما متأسفانه در برنامه آموزشی حوزه‌ها تمامی نیازهای علمی مورد نیاز طلاب برای تفقه در دین پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین لازم است نظام اندیشه جامع مورد نیاز یک طلبه مدون و تعلیم گردد.
۳	ترسیم وضعیت موجود بر اساس وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی صورت‌گرفته	نقطه ضعف: - ضعف علمی طلاب در آشنایی با هندسه علوم اسلامی و انسانی، ضعف در دانش‌هایی نظیر دانش کلام، ادیان و فرق و شبهه‌شناسی، تاریخ تحلیلی و روش تحلیل تاریخ، تحلیل سیاسی و شناخت تحولات و جریان‌ات فکری و... - فقدان سیر مطالعات اندیشه اسلامی در برنامه آموزشی رسمی. نقطه قوت: - وجود دوره‌ها و طرح‌های آموزشی تازه‌تأسیس و متون تازه‌تدوین در رابطه با نظام اندیشه اسلامی
۴	راهکارهای اصلاح و رشد و ارتقا	- شناسایی دوره‌ها، منابع، اساتید و سیرهای مطالعاتی در رابطه با اندیشه جامع و اجرای بهترین آنها در مدرسه.
۵	برنامه مصوب	برگزاری دوره آموزشی اندیشه جامع اسلامی



دیگر موضوعات در بُعد اعتقادی طلاب:

- شبهات جدید و کلام جدید،
- اعتقادات ناظر به مسایل کاربردی زندگی طلاب،
- منظومه اعتقادات دینی و سیر مطالعاتی کتب اعتقادی،

جدول شماره ۹ (اجتماعی - نیرو - طلاب)		
۱	تعیین موضوع بر اساس اولویت‌گذاری‌ها	مواسات و همدردی با نیازمندان
۲	تبیین وضعیت مطلوب در موضوع مورد نظر	یکی از مهم‌ترین عرصه‌های رسالت روحانیت، ارائه خدمات اجتماعی متناسب با شأن و اهداف حوزه‌های علمیه است، سیره ائمه معصومین <small>علیهم‌السلام</small> نیز توجه ویژه به مشکلات اجتماعی مردم، هم‌دردی با مستضعفان و مجالست و هم‌نشینی با ایشان و تلاش جهت رفع مشکلات آنها بوده است.
۳	ترسیم وضعیت موجود بر اساس وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی صورت‌گرفته	نقطه ضعف: - بی‌خبری و بی‌تفاوتی طلاب نسبت به مشکلات اجتماعی و نیازمندی‌های مستضعفان و احوال ایشان. - فقدان سازوکار مناسب جهت حضور اجتماعی فعال و متناسب با مأموریت‌های حوزویان. نقطه قوت: - فعالیت‌های خودجودش و جهادی طلاب.
۴	راهکارهای اصلاح و رشد و ارتقا	- تبیین حدود وظایف و رسالت حوزه و روحانیت در مداخله و ایفای نقش نسبت به مشکلات و نیازمندی‌های اجتماعی. - ایجاد زمینه حضور فعال طلاب در بازدید از مناطق محروم، منازل نیازمندان و سرکشی به آنان، تهیه و توزیع ارزاق، بازدید از مؤسسات خیریه و مراکز نگهداری ایتام و مراکز توان‌بخشی معلولان و آسایشگاه جانبازان و عیادت



بیماران و... با تأکید بر کارویژه روحانیت (تبلیغ دین و ارتقای معرفت)		
- برگزاری اردوهای جهادی در روستاها و مناطق محروم با تأکید بر کارویژه روحانیت (تبلیغ دین و ارتقای معرفت)		
اردوی جهادی - سرکشی به نیازمندان و بازدید از مراکز گوناگون	برنامه مصوب	۵

دیگر موضوعات در بُعد اجتماعی طلاب:

- حضور طلاب در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، (حضور اجتماعی طلاب برای جهت‌گیری و رشد در ابعاد علمی و مهارتی ضروری است؛ البته در کنار فواید بسیار آن می‌بایست به آسیب‌های آن توجه نمود؛ آسیب‌هایی همچون رکود علمی، قانع شدن طلاب به سطح علمی پایین، اعتمادبه‌نفس کاذب، عجب، ارتباطات آسیب‌زا و...)
- فعالیت تبلیغی طلاب با روش‌ها و ابزار نوین و به‌صورت مستمر.
- خدمات اجتماعی طلبه،
- رویکرد مطلوب روحانیت در تشکیل و اداره گروه‌های جهادی،

جدول شماره ۱۰ (روحی روانی - نیرو - طلاب)		
۱	تعیین موضوع بر اساس اولویت‌گذاری‌ها	روابط اجتماعی طلبه
۲	تبیین وضعیت مطلوب در موضوع مورد نظر	طلبه می‌بایست بتواند با دوستان و اطرافیان خود به بهترین نحو ارتباط سازنده و مؤثر برقرار کند. (گاهی برخی طلاب فراتر از آداب و الزامات اخلاقی در حسن معاشرت و رفتار صحیح با مردم، به‌خاطر برخی اختلالات روحی و روانی دچار کاستی‌هایی در این زمینه می‌شوند که نیاز به درمان دارد).



۳	ترسیم وضعیت موجود بر اساس وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی صورت‌گرفته	نقاط ضعف: - درونگرایی برخی طلاب و ضعف در ارتباط صحیح و سازنده، - عدم گشاده‌رویی و لطف و محبت و مهرورزی و مهربانی در رفتار برخی طلاب، - عدم صبر و سعه صدر و چشم‌پوشی طلاب در برابر ناملایمات و خطای مردم، نقاط قوت: - انتظار مثبت مردم از طلبه و حساسیت نسبت به رفتار ایشان،
۴	راهکارهای اصلاح و رشد و ارتقا	- تبیین ضرورت و اهمیت رفتار صحیح با مردم و آداب و فرهنگ آن، - معرفی الگوها و اسوه‌ها در حسن برخورد و حسن معاشرت با مردم،
۵	برنامه مصوب	کارگاه مشاوره با طلاب مورد نظر - درس اخلاق با موضوع آداب معاشرت،

دیگر موضوعات در بُعد روحی روانی طلاب:

- فضای آرام تحصیلی جهت بهبود آرامش روحی و روانی طلاب،

- دغدغه‌های فکری غیرضروری طلاب،

- توانمندی تعامل با خانواده و اقوام،

- آسیب‌های روحی روانی دوران تحصیل،



جدول شماره ۱۱ (جسمی - نیرو - طلاب)		
۱	تعیین موضوع بر اساس اولویت‌گذاری‌ها	نشاط و سلامت جسم،
۲	تبیین وضعیت مطلوب در موضوع مورد نظر	نشاط جسمی و صحت و سلامت بدن تأثیر بسزایی در روح و روان و فکر طلبه و در نتیجه تحصیل علم و اخلاق دارد، بنابراین می‌بایست طلاب هم در مرحله پیش‌گیری و هم در مرحله درمان، نسبت به حفظ و ارتقای سلامت جسم خود اهتمام داشته و برای جلوگیری از آسیب‌های جسمی یا درمان ضعف‌ها و کمبودها تلاش نمایند.
۳	ترسیم وضعیت موجود بر اساس وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی صورت‌گرفته	نقاط ضعف: - کسالت و سستی و عدم نشاط برخی طلاب، - ضعف جسمانی و آفت‌پذیری بدنی برخی طلاب، نقاط قوت: - فضا و فرصت‌های کافی برای تقویت بدن، ورزش و درمان ضعف‌ها.
۴	راهکارهای اصلاح و رشد و ارتقا	- بهره‌گیری از فضاهای ورزشی داخل یا خارج از مدرسه، - برنامه ورزشی منظم و مستمر، - ایجاد امکان معاینه پزشکی فصلی طلاب در مدرسه.
۵	برنامه مصوب	برنامه‌های ورزشی، معاینه پزشکی.

دیگر موضوعات در بُعد جسمی طلاب:

- طب اسلامی و تغذیه سالم (بهبود و ارتقای تغذیه مدرسه)،

- بهداشت جسمی و آراستگی ظاهری و نقش طلاب در بهداشت محیطی،

- ازدواج طلاب و نیازهای جنسی (هر چند این موضوع از بُعد روحی و روانی

و یا اخلاقی و مهارتی و... نیز قابل بررسی است اما شاید تناسب آن با بعد

جسمی بیشتر باشد).

**آسیب‌شناسی و مدیریت بحران**

اساس کار در برنامه‌ریزی بر شروع از بایسته‌ها و «اهداف» (وضعیت مطلوب) است و بدون تعیین مختصات وضعیت مطلوب نمی‌توان وضعیت موجود را ارزیابی کرد و بدون شناخت مطلوب، نواقص و آسیب‌ها شناخته نمی‌شوند؛ ولی در شرایط بحرانی و پیش‌آمد بحران‌ها و حوادث و بروز آسیب‌ها و نواقص می‌بایست عجلتاً به مطلوب ذهنی و ارتکازی و اجمالی اکتفا نمود و رأساً به «آسیب‌شناسی» پرداخت و برنامه‌ریزی را بر محور آسیب‌ها پیش برد که این رویکرد در اصطلاح «مدیریت بحران» نامیده می‌شود. در مدارس علمیه گاهی بروز آسیب‌ها و مشکلات در حدی است که ما را در شرایط بحرانی قرار می‌دهد و لازم است فوراً آسیب‌ها شناسایی و برای رفع آن‌ها تدبیر شود. به همین مناسبت برخی آسیب‌های احتمالی در اینجا به عنوان مثال بیان می‌گردد.^۱ در صورت وجود این آسیب‌ها در مدارس، هر یک از آنها می‌تواند موضوع یک جلسه از شورای تهذیب و تربیت قرار گیرد:

- بی‌انگیزگی، عدم احساس مفید بودن، دچار روزمرگی شدن، عدم احساس مسئولیت نسبت به امور اجتماعی و تمدن‌سازی و امامت جامعه، ائتلاف وقت، سستی و اهمال‌کاری،

- احساس به‌روز نبودن اندوخته‌ها و دروس آموزشی و عدم جامعیت علمی،
- ضعف روحیهٔ ایثار و شهادت و جنگ و جهاد و تلاش و پشتکار در حوزه (غلبهٔ روحیهٔ کسالت و تنبلی)،

- شبهات نسبت به کارآمدی حوزه و برخی علوم آن (مانند فقه و اصول) در جامعه،

۱. این آسیب‌ها نیز قابل دسته‌بندی در ابعاد و ساحات گوناگون تهذیب و جانمایی در جدول نقشهٔ جامع موضوعات می‌باشد.



- عدم آشنایی کافی طلاب ورودی با حوزه و ارکان و اجزای آن،
- عدم اطلاع از آیندهٔ تحصیلی و شغلی، عدم شناخت مشاغل حوزوی
- فقدان بسترهای مورد نیاز برای تشکیل کانون‌های خودجوش و فعال طلبگی در مدارس و جامعه،
- ضعف آشنایی طلاب و روحانیون با گفتمان انقلاب و اندیشهٔ امام و رهبری،
- تنزل در سبک زندگی و شئون طلبگی، عدم رعایت زیّ طلبگی، افزایش مادپروری، سبک زندگی غربی، افزایش آمار طلاق و مفاسد،
- افزایش ناهنجاری‌های خانوادگی در بین طلاب،
- اشتیاق به شهرت علمی و مناصب مدیریتی و جایگاه اجتماعی،
- اشتغالات نامناسب و غیر حوزوی،
- مشکل اقتصادی و تأمین معیشت،
- فقدان مهارت کار گروهی و تشکیلاتی و روحیهٔ همکاری،
- تحجرگرایی و جمود فکری،
- مدرک‌گرایی،
- افراط و تفریط نسبت به مسایل سیاسی و اجتماعی،
- عدم ارتباط بزرگان حوزه با طلاب،
- عدم حمایت و سرپرستی توسط استاد،
- ضعف جنبهٔ تهذیبی و تربیتی در اساتید و روش تدریس و سیستم و روش‌های مدیریت مدیران،
- ضعف یا عدم رویکرد تهذیبی و تربیتی در ساختارها، قوانین و برنامه‌های درسی،
- غلبهٔ فضای اداری و دانشگاهی بر فضای معنوی و جهادی حوزه‌های علمیه،
- غلبه ظاهرگرایی دینی بر معنویت و اخلاق،



- مهجوریت قرآن و حدیث در دروس و فرایندهای علمی و پژوهشی حوزه،
- ضعف در نخبه‌پروری،
- بی‌توجهی به فارغ‌التحصیلان،
- عدم تناسب ساختارها و قوانین و تصمیمات آموزشی، پژوهشی و تهذیبی با اقتضانات نسل جدید طلاب، شرایط محیطی و دنیای جدید،
- عدم استعدادسنجی و هدایت شغلی، عدم آینده‌نگری و نیازسنجی شغلی نسبت به آینده،
- ضعف برنامه و آموزش برای تربیت صاحبان حرف و مهارت‌های خاص متناسب با نیازها،
- عدم اهتمام جدی به تقویت حوزه انقلابی و ولایت‌مداری در حوزه و تحقق آرمان‌های انقلاب،
- عدم اهتمام جدی به آشنایی طلاب و روحانیون با مسایل و نیازهای روز، مشکلات جامعه، موقعیت اجتماعی و وضعیت جهانی، دشمن‌شناسی، آگاهی‌ها و بصیرت سیاسی و اجتماعی،
- ضعف شناخت و بینش اجتماعی و سیاسی و عدم آشنایی با واقعیات جامعه،
- ضعف فعالیت رسانه‌ای و هنری و به‌کارگیری ابزارهای نوین رسانه‌ای و فرهنگی،
- عدم تربیت خطبای خوش‌بیان، عالم و متقی،
- ضعف در آداب معاشرت، مردم‌داری، دلسوزی، مدارا و مماشات و روابط عمومی در شأن روحانی،
- عدم بهره‌برداری کامل از ظرفیت مساجد و دیگر نهادهای دینی و مذهبی،
- عدم ارتباط سازماندهی شده میان حوزه و مدارس علمیه با مساجد، کانون‌های فرهنگی و دیگر نهادهای فرهنگی و پشتیبانی آنها،



- ضعف در تبیین، تعمیق و صدور اندیشه انقلاب و پیام اسلام،
- جریان‌های انحرافی و تأثیرپذیری طلاب،
- مخاطرات و آسیب‌های فضای مجازی،
- و...

پیوست یکم: منابع مطالعاتی

ثبت نام برای ورود به حوزه‌های علمیه به این معناست که شخص، تصمیم گرفته تمام عمر خود و ۶۰ سال سرمایه وجودی خویش را وقف اقامه دین خدا و دستگاه امام زمان عج کند. بی‌شک لازمه‌ی چنین سرمایه‌گذاری بلندمدت و خطیری این است که طلبه، حوزه‌ی علمیه را به خوبی بشناسد و درک روشنی از مسیر طلبگی داشته باشد؛ یعنی هویت صنفی طلبگی را شناخته باشد و تعریف جامع و مانع و قاطعی از حوزه و ماهیت طلبگی داشته باشد. آینده طلبگی را ببیند. ماموریت‌ها و رسالت‌های حوزه را درک کند. ارزش‌ها، افتخارات و دستاوردهای حوزه را بشناسد و ...

خلاصه در این انتخاب چنان عالمانه و هوشمندانه عمل کرده باشد که اگر همه اهل زمان به او انتقاد و اهانت کردند ذره‌ای احساس ندامت و خسارت نکند و بتواند با همه مشکلات اجتماعی و اقتصادی و ... در این حرکت بزرگ کنار بیاید. الگوی طلبه در این حرکت پرشور، وجود قدرتمند پیامبر رحمت است آنگاه که رسالت خود را با شعار «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» آغاز کرد. در آن روزگار مشرکان که همه هویت و موجودیت خود را در معرض خطر می‌دیدند تلاش کردند تا آن حضرت را با تطمیع و تهدید از میدان به در کنند. پیامبر اکرم ص در مقابل چرب‌ترین تطمیع‌های آنان فرمود: «اگر خورشید را در دست راست من و ماه را در دست چپم قرار دهید از رسالت خود دست نخواهم کشید» و در مقابل



سخت‌ترین تهدیدها و بدترین توهین‌ها، متلک‌ها و شکنجه‌ها چون کوه استوار ایستاد و مومنان را به پایداری و استقامت توصیه کرد. همه آن تلاش‌ها در اراده‌ی آهنین آن حضرت اندک خدشه‌ای ایجاد نکرد.

طلبه باید در مسیر پر حماسه‌ی طلبگی به این اسوه‌ی ایمان و استقامت تاسی کند و باورمندانه و مشتاقانه، تا پای جان بر این عهد بماند. اگر چنین بصیرت و معرفت صنفی عمیقی وجود داشته باشد انبوه فشارهای اجتماعی و اقتصادی هیچ خللی در عزم پولادین طلبه پدید نمی‌آورد و هرگز شور و تصمیم و حرکتش را کند نخواهد کرد. طلبه‌ی باورمند در مواجهه با مشکلات و در مقابل اعتراض‌ها و اهانت‌ها نه تنها احساس سرافکندگی و ندامت نمی‌کند که سربلند و پرافتخار، به شکوه پاسداری از آیین الهی بر خود می‌بالد و به خاطر نعمت توفیق ادامه‌دهندگی راه پیامبران و وراثت انبیا و اولیا، خدا را از صمیم جان سپاس می‌گوید.

اما اگر انتخاب مسیر طلبگی با ابهام و اجمال و سستی و کوتاهی همراه باشد و حد نصاب معرفت و آگاهی در این موضوع حاصل نیامده باشد چه بسا عشری از این مشکلات برای پشیمانی و نگرانی کافی باشد و طلبه را از این مسیر نورانی محروم سازد.

بی‌شک ابلیس لعین و همه شیطان‌صفتان انسان‌نما که از این عزم و اقتدار طلبه برای یک عمر تلاش خالصانه در پاسداری از دین خدا سخت بیمناک‌اند تمام تلاش خود را برای شکستن تصمیم طلبه و انحراف او از این مسیر نورانی به کار می‌گیرند و بر مدیران و مسئولان است که با ایجاد معرفت و بصیرت صنفی، هویت طلبه را تقویت کنند و او را از بحران وساوس شیطانی ایمن سازند.

به لطف پروردگار و با تلاش عالمان و اندیشوران در این موضوع، محتوای غنی و آثار گران‌بهای پدید آمده که جوانان با مطالعه‌ی آن می‌توانند آگاهی و شناخت روشنی از حوزه به دست آورند و در انتخاب طلبگی شاخص‌ها و معیارهای قاطع



داشته باشند. طلاب علوم دینی نیز می‌توانند با مطالعه این آثار در مسیر طلبگی هوشمندانه‌تر عمل کنند و از عمر و تلاش خود بهره‌ی بیشتری ببرند و برای یک عمر خدمت فداکارانه به دین و در راه اقامه معارف اهل بیت آمادگی و توشه‌ی مناسب را دریافت کنند. مطالعه‌ی این کتاب‌ها برای اساتید و مدیران نیز این امکان را فراهم می‌سازد که طلاب جوان را در بهره‌برداری بیشتر از سرمایه‌ها و فرصت‌ها راهنمایی کنند و آنان را از سرگردانی، شبهه و تردید نجات بخشند و با معضل بحران هویت مقابله کنند. شورای تهذیب و تربیت مدارس علمیه نیز باید بر عمده‌ی این کتاب‌ها اشراف داشته باشد و از مباحث آن در حل مسائل فراوان عالم طلبگی بهره‌گیری کند. عمده آثار موجود، در فهرست زیر منعکس است. تقسیم‌بندی کلی این فهرست به شرح زیر است:

- طلبه و هویت طلبگی
- طلبه؛ اخلاق و خودسازی
- طلبه و علم‌آموزی
- طلبه و انقلاب اسلامی
- طلبه و رسالت‌های اجتماعی
- طلبه و زندگی خانوادگی
- کتاب‌هایی برای اساتید حوزه‌های علمیه
- کتاب‌هایی برای مدیران مدارس علمیه
- کتاب‌هایی برای مسئولان و کارگزاران حوزه

هویت طلبگی

۱. آخوند باید روحانی باشد؛ توصیه‌های رهبر انقلاب برای حوزه‌های علمیه، تدوین محمدرضا حدادی، تهران: فراندیش، ۱۳۸۵.



۲. سیمای آرمانی طلبه، محمد عالم‌زاده‌ی نوری، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
۳. بدان ایدک الله، نصایح رهبر انقلاب به طلاب، تهران: مؤسسه پژوهشی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.
۴. میثاق طلبگی (دفتر اول: رسم طلبگی)، محمد عالم‌زاده‌ی نوری، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۷ ش.
۵. راه و رسم طلبگی (دفتر اول: ارزش و افتخارات طلبه)، محمد عالم‌زاده نوری، قم: ولاء منتظر، ۱۳۸۹.
۶. راه و رسم طلبگی (دفتر دوم: هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی)، محمد عالم‌زاده نوری، قم: ولاء منتظر، ۱۳۸۹.
۷. لباس روحانیت؛ چراها و بایدها، محمد عالم‌زاده‌ی نوری، قم: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.
۸. لباس روحانیت در نبرد نمادها، مهدی اسماعیلی، قم: معاونت تهذیب، ۱۳۹۴.
۹. جامه پیام‌بر، مهدی مسائلی، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۹۸.
۱۰. درآمدی بر زی طلبگی، هنجارشناسی جلوه‌های رفتاری حوزویان، محمد عالم‌زاده نوری، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۱. مهارت‌های طلبگی (دفتر اول: آیین طلبگی)، علی‌اصغر همتیان، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۴.
۱۲. حوزه‌ی علمیه؛ هست‌ها و بایدها، سید احمد خاتمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵.
۱۳. روحانیت و حوزه؛ مشکلات و راهکارها، علی صفایی حائری، قم: لیلة القدر، ۱۳۹۵.



۱۴. رسالت روحانیت در دنیای جدید، سید محمد‌مهدی میرباقری، قم: مؤسسه‌ی فرهنگی فجر ولایت، ۱۳۸۵.
۱۵. هویت صنفی روحانی، محمدرضا حکیمی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰.
۱۶. کوله‌پشتی طلبگی، قنبرعلی تیموری، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۱.
۱۷. میقات سبز، مهدی هادوی تهرانی، قم: مؤسسه‌ی فرهنگی خانه خرد، کتاب همدم، ۱۳۸۰.
۱۸. زندگی مطلوب طلبه، محمدرضا فلاح شیروانی، قم: پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۹.
۱۹. رسالت عالمان دین‌باور، سیدعلی طباطبائی، قم: بخشایش، ۱۳۸۲.
۲۰. سلسله مباحثی برای طلاب علوم دینی، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.
۲۱. حوزه و روحانیت، عبدالله جوادی آملی، قم: مؤسسه‌ی اسراء، ۱۳۹۲.
۲۲. درآمدی بر شناخت حوزه و روحانیت، منصور علم‌الهدی، قم: مرکز مدیریت حوزه‌ی علمیه‌ی خاوران، ۱۳۸۵.
۲۳. نگاهی به حوزه، سعید هلالیان، قم: کتاب فردا، ۱۳۹۳.
۲۴. پژوهشی در نظام طلبگی، مهدی ضوابطی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
۲۵. شکل‌گیری سازمان روحانیت شیعه، محمدعلی اخلاقی، تهران: مؤسسه‌ی شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴.
۲۶. تبارنامه حوزه و روحانیت؛ از صدر اسلام تا پهلوی اول، عبدالرحیم اباذری، قم: سلمان فارسی، ۱۳۹۰.
۲۷. مانیفست روحانیت، رضا غلامی، تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۸۴.



۲۸. نسیم هدایت (رهنمودهای بزرگان به طلاب جوان)، علی وافی، قم: شفق، ۱۳۹۰.

طلبه؛ اخلاق و خودسازی

۲۹. بر بال فرشتگان (ارزش طلبگی و بایدها و نبایدهای آن)، مهدی اسماعیلی سادیانی، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۶ ش.

۳۰. میثاق طلبگی (دفتر دوم: اخلاق و آداب طلبگی)، کاظم علی محمدی، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۷ ش.

۳۱. راه و رسم طلبگی (دفتر چهارم: طلبه و برنامه‌ریزی)، محمد عالم‌زاده نوری، قم: ولاء منتظر، ۱۳۸۹.

۳۲. راه و رسم طلبگی (دفتر هفتم: طلبه؛ نشاط و طراوت طلبگی)، محمد عالم‌زاده نوری، قم: ولاء منتظر، ۱۳۸۹.

۳۳. ۲۱۳ راهکار جهت تقویت و ارتقای انگیزه طلبگی، مدیریت مطالعات تربیتی فرهنگی معاونت تهذیب، قم: انتشارات معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف، ۱۳۹۳.

۳۴. الگوهای اخلاقی طلبه مطلوب، هادی حسین‌خانی، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۸ ش.

۳۵. فرازها و فرودها (علل و عوامل صعود و سقوط اهل علم)، جمعی از نویسندگان، قم: مرکز مدیریت حوزه، ۱۳۹۶.

۳۶. مهارت‌های طلبگی (دفتر پانزدهم: خودآگاهی و مدیریت خویشتن)، مسعود نورعلی‌زاده میانجی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۵.

۳۷. مهارت‌های طلبگی (دفتر سیزدهم: چالش‌های طلبگی)، مسعود حیدری نیک، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۵.



۳۸. فرهنگ حجره‌نشینی، مهدی محمدی صیفار، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۶ ش.

۳۹. منشور حجره‌نشینی؛ آداب زندگی در حجره، محمدتقی مرادی، قم: سرای کتاب، ۱۳۹۵.

۴۰. اخلاق حرفه‌ای و وظایف صنفی روحانیت از نگاه امام خمینی، حمید آقانوری، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲.

۴۱. آداب الطلاب، شاکر برخوردار فرید، تهران: لاهوت، ۱۳۸۵.

۴۲. آفات الطلاب، شاکر برخوردار فرید، تهران: لاهوت، ۱۳۸۵.

طلبه و علم‌آموزی

۴۳. راه و رسم طلبگی (دفتر سوم: طلبه در دوران رشد و تحصیل)، محمد عالم‌زاده نوری، قم: ولاء منتظر، ۱۳۸۹.

۴۴. راه و رسم طلبگی (دفتر پنجم: طلبه و جهت‌گیری تخصصی)، محمد عالم‌زاده نوری، قم: ولاء منتظر، ۱۳۸۹.

۴۵. راه و رسم طلبگی (دفتر ششم: علم دیگر)، محمد عالم‌زاده نوری، قم: ولاء منتظر، ۱۳۸۹.

۴۶. دانش تحصیل دانش، سعید هلالیان، قم: ولاء منتظر، ۱۳۹۱.

۴۷. انتخاب رشته، انتخاب شغل؛ راهنمای مشاورین و مراجعین، احمد امامی‌راد، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۲.

۴۸. میثاق طلبگی (دفتر سوم: نظام تعلیم و تربیت حوزه‌های علمیه)، علی اصغر همتیان، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۷.

۴۹. صراط اندیشه و عمل، هدایت علمی و پرورشی طلاب و دانش‌پژوهان، ابوالقاسم علی دوست، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۹۴.



۵۰. مهارت‌های مدیریت تحصیلی؛ قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۹ ش.
۵۱. مهارت‌های طلبگی (دفتر دوم: جلسه درس)، حسن‌علی‌علی‌اکبریان، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۴.
۵۲. مهارت‌های طلبگی (دفتر سوم: مباحثه)، محمود مقدمی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۴.
۵۳. مهارت‌های طلبگی (دفتر بیستم: روند تحصیلی حوزه)، محمدعلی مروجی طوسی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۵.
۵۴. مهارت‌های طلبگی (دفتر چهارم: برنامه‌ریزی تحصیلی)، حسین خنیفر، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۴.
۵۵. مهارت‌های طلبگی (دفتر چهاردهم: حافظه و فنون یادگیری)، حسین خنیفر، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۵.
۵۶. مهارت‌های طلبگی (دفتر شانزدهم: الفبای مقاله‌نویسی)، محمدباقر انصاری، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۵.
۵۷. مهارت‌های طلبگی (دفتر هجدهم: چگونه مطالعه کنیم؟)، محمود مقدمی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۵.
۵۸. راهنمای تحصیل در حوزه‌های علمیه؛ با اقتباس از نگرش اسلام به دین، علم و عالم دینی، عبدالحمید واسطی، مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۲.
۵۹. راهنمای تحقیق؛ با اقتباس از نگرش اسلام به علم و هستی، عبدالحمید واسطی، مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۴.
۶۰. راهنمای تحصیل در حوزه (جلد اول: انگیزه‌شناسی تحصیل)، علی نصیری، قم: وحی و خرد، ۱۳۹۳.



۶۱. راهنمای تحصیل در حوزه (جلد دوم: روش‌شناسی تحصیل)، علی نصیری، قم: وحی و خرد، ۱۳۹۳.
۶۲. آداب تعلیم و تعلم در اسلام؛ ترجمه گزارش‌گونه کتاب «منیة المرید»، سیدمحمدباقر حجتی، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۶۳. شیوه‌های تحصیل و تدریس در حوزه‌های علمیه، محمدعلی رضایی اصفهانی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۶۴. آیین دانشوری در سیره امام خمینی علیه السلام، رسول سعادت‌مند، قم: تسنیم، ۱۳۸۹.
- طلبه و انقلاب اسلامی**
۶۵. طلبه و انقلاب اسلامی، محمد عالم‌زاده نوری، قم: خانه طلاب جوان، ۱۴۰۰.
۶۶. طلبه عصر انقلاب؛ تحلیل سیاسی و شناخت رویدادهای اجتماعی، محمد عالم‌زاده نوری، قم: خانه طلاب جوان، ۱۴۰۰.
۶۷. طلبه عصر انقلاب؛ جامعه‌سازی و علوم انسانی اسلامی، محمد عالم‌زاده نوری، قم: خانه طلاب جوان، ۱۴۰۰.
۶۸. حوزه باید انقلابی بماند، محمدرضا فلاح شیروانی، قم: شهید کاظمی، ۱۳۹۶.
۶۹. حوزه علمیه تراز، سیدسجاد ایزدهی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۴۰۰.
۷۰. طلبه انقلابی؛ جایگاه‌شناسی توصیفی-تحلیلی طلبه انقلابی، سعید هاللیان، قم: شهید کاظمی، ۱۳۹۸.
۷۱. مهارت‌های طلبگی (دفتر دهم: فعالیت سیاسی)، سیدسجاد ایزدهی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۴.



۷۲. مهارت‌های طلبگی (دفتر دوازدهم: بصیرت سیاسی)، سیدسجاد ایزدهی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۵.
۷۳. الگوی حضور سیاسی طلبه در انتخابات، قم: خانه طلاب جوان، ۱۳۹۶.
۷۴. مقدمه‌ای بر تربیت سیاسی طلاب، سید مهدی موسوی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۴.

طلبه و رسالت‌های اجتماعی

۷۵. مهارت‌های طلبگی (دفتر ششم: تبلیغ مجازی)، حسین سلیمانی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۴.
۷۶. مهارت‌های طلبگی (دفتر پنجم: پاسخ به شبهه و پرسش)، حسین سوزنچی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۴.
۷۷. رسالت روحانیون در دانشگاه‌ها؛ از منظر رهبر معظم انقلاب، محمد طهماسبی، تهران: نشر معارف، ۱۳۹۳.

طلبه و زندگی خانوادگی

۷۸. مشق مهر، مهدی محمدی صیفار، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۵ ش.
۷۹. همسران همراه، مهدی محمدی صیفار، کاظم علی محمدی و هادی حسین خانی، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۵ ش.
۸۰. خانه آفتاب؛ راهکارهایی برای موفقیت خانواده طلاب، نصرت رضایی، مشهد: انتشارات باران حکمت، ۱۳۹۲.
۸۱. مهارت‌های طلبگی (دفتر هشتم: دوران عقد)، هادی حسین خانی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۵.



۸۲. مهارت‌های طلبگی (دفتر نهم: همسرداری)، سیدجعفر علوی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۵.
۸۳. مهارت‌های طلبگی (دفتر هفدهم: شادابی خانواده)، سیدمهدی قانع، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۵.
۸۴. مهارت‌های طلبگی (دفتر نوزدهم: فرزندآوری)، محمود مقدمی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۵.

کتاب‌هایی برای اساتید

۸۵. استاد و درس، علی صفایی حایری، قم: هجرت، ۱۳۶۱.
۸۶. راهنمای تدریس؛ با اقتباس از نگرش اسلام به علم و علم‌آموزی، عبدالحمید واسطی، مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۲.
۸۷. شاگردپروری؛ تربیت شاگردان در سیره تربیتی اهل بیت علیهم‌السلام، محمدرضا عابدینی، تهران: نشر معارف، ۱۳۹۹.
۸۸. فیض استاد؛ مهارت کلاس‌داری تربیتی اساتید حوزه علمیه، محمدجواد نوری
۸۹. نقش تربیتی اساتید، هادی حسین خانی و کاظم علی محمدی، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۸ ش.
۹۰. مهارت‌های طلبگی (دفتر هفتم: روش تدریس)، رمضان علی تبار فیروزجایی، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۵.

کتاب‌هایی برای مدیران مدارس

۹۱. الگوی تربیت جامع طلاب؛ محمدجواد نظافت یزدی، مشهد: انتشارات امام مهربان، ۱۳۹۹.



۹۲. نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه، هادی حسین خانی نائینی، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۵.
۹۳. ظرفیت‌های تربیتی مدرسه‌ی علمیه مطلوب، کاظم علی محمدی، انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۶.

کتاب‌هایی برای مسئولان و کارگزاران حوزه

۹۴. انتظارات جامعه اسلامی از حوزه‌های علمیه امروز، حسن بنیانیان، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۳.
۹۵. تبیان، دفتر دهم، روحانیت و حوزه‌های علمیه، روح الله الموسوی الخمینی، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
۹۶. منشور حوزه و روحانیت، دیدگاه‌ها و بایسته‌های حوزه و روحانیت از منظر حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای از ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵ (۱۵ جلد)، علی خراسانی، تهران: مؤسسه‌ی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.
۹۷. حوزه، محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۵.
۹۸. ده گفتار، شهید مرتضی مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۷۶.
۹۹. ولایت، رهبری، روحانیت، شهید سید محمدحسین بهشتی، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید آیت‌الله دکتر بهشتی، تهران: بقعه، ۱۳۸۳.
۱۰۰. تحول حوزه علمیه و روحانیت در گذشته و حال؛ طرح الگو، چشم‌انداز و ارزیابی فعالیت روحانیت، علی‌رضا پیروزمند، تهران: کتاب فردا، ۱۳۹۲.
۱۰۱. گذشته، حال و آینده حوزه در نگاه رهبری، جمعی از نویسندگان مجله‌ی حوزه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.



۱۰۲. نظام‌نامه جامع تهذیبی حوزه‌های علمیه، کاظم علی محمدی و مهدی محمدی صیفار، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۹.
۱۰۳. نظام‌نامه تربیتی؛ جامعه المصطفی العالمیه.
۱۰۴. حوزه علمیه؛ چیستی، گذشته، حال و آینده، علی‌رضا اعرافی، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۵.
۱۰۵. وحدت حوزه و دانشگاه؛ علی‌رضا اعرافی، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۲.
۱۰۶. حوزه‌های علمیه، طرحی نو بر پایه‌ی ارزش‌ها، محمدتقی مدرسی، ترجمه حمیدرضا آژیر، نشر بقیع، ۱۳۷۴.
۱۰۷. حوزه و روحانیت در نگاه رهبری، حمید آقانوری، قم: دبیرخانه شورای عالی حوزه‌ی علمیه، ۱۳۹۰.
۱۰۸. حوزه و روحانیت؛ برگرفته از بیانات حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، سعید صلح میرزایی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۰۹. حوزه و روحانیت ۱ و ۲؛ مسائل، آسیب‌ها، کارکردها، به‌کوشش علی باقری‌فر، مؤسسه دین‌پژوهی بشری، ۱۳۸۹.
۱۱۰. حوزه و بایسته‌ها؛ گفتارها و نوشتارها درباره‌ی حوزه، روحانیت و مرجعیت، سیدمحمدباقر صدر، قم: دارالصدر، ۱۳۹۸.
۱۱۱. نظام علمی-آموزشی «پرورش مآل»؛ طرحی برای تحول بنیادین حوزه براساس نظریه آموزش «پرورش مآل»، علی‌اکبر رشاد، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.



سخن پایانی

وجود این کتاب‌ها در مدرسه علمیه و در دسترس طلاب، هم امکان استفاده از آن را برای طلبه سهل می‌سازد و به ارتقای معرفتی او می‌انجامد و هم اقناع روحی و احساس روانی خاصی بر داشتن یک پشتوانه سنگین معرفتی در جان طلبه ایجاد می‌کند و او را آرامش و قدرت می‌بخشد.

مطالعه این کتاب‌ها نیز امکان بهره‌برداری بیشتر از سرمایه‌ها و فرصت‌های موجود را فراهم آورده و سرگردانی و تردید را در موارد فراوانی مرتفع می‌سازد. شورای تهذیب و تربیت مدارس علمیه باید بر عمده این کتاب‌ها اشراف داشته باشد و از مباحث آن در حل مسایل فراوان عالم طلبگی بهره گیرد.



پیوست دوم: روش برای نوآوری در محتوا

بخشی از مذاکراتی که در شورای تهذیب و تربیت صورت می‌گیرد در صدد دست‌یابی به یک پاسخ جدید یا طرح خلاق است. برای تفکر خلاق و دستیابی به پاسخ‌ها و طرح‌های جدید، روشی چندمرحله‌ای پیشنهاد شده است که عمدتاً همان الگوی منطق صوری البته با جزئیات کاربردی بیشتر است.^۱ ذکر این روش در انتها خالی از لطف نیست.

منظور از محتوا در عنوان، معنای عامی است که می‌تواند به محتوای یک مقاله علمی ناظر باشد؛ یا یک پایان‌نامه و رساله و یا یک اثر تحقیقی مستقل؛ البته نوآوری در محتوا هم سطوح مختلفی دارد که بالاترین سطح آن «نظریه‌پردازی» است. به هر حال، وقتی یک متخصص چیزی می‌نویسد، علی‌القاعده از او انتظار می‌رود که نوآورانه باشد. نوآوری انواعی دارد:

۱. گاهی در ساختار و چیدمان اجزای مسأله است.

۲. گاهی از حیث رویکرد است؛ مثلاً ممکن است درباره مسأله‌ای کارها و مقالاتی وجود داشته باشد؛ اما شخص رویکرد جدیدی به آن پدید آورد؛ مثلاً رویکرد مقایسه‌ای و تطبیقی.

۳. گاهی نوآوری از جهت محتوا است.

۱. استاد احمدحسین شریفی این روش را بر اساس تجربه شخصی و تأملات و مطالعات حاشیه‌ای عرضه کرده و معتقد است این روش گرچه ساده به نظر می‌رسد اما بسیار کارایی دارد.



ما می‌خواهیم روش‌ها و تکنیک‌هایی برای تحقق این سطح از نوآوری بیان کنیم؛ سؤال این است که اگر بخواهیم در محتوای علمی خود نوآوری داشته باشیم چه کار باید کنیم؟

نوآوری در محتوا یک پیش‌فرض اساسی دارد و آن اینکه نویسنده در مرز دانش نسبت به مسأله باشد؛ یعنی همه یا عمده تحقیقات، دیدگاه‌ها و نظریه‌های موجود در مسأله را اشراف داشته باشد و به اصطلاح سوار بر مسأله باشد؛ اگر فرد وضعیت دانش در مسأله را نداند، ممکن است خیال کند سخن جدیدی دارد در حالی که مثلاً هزار سال قبل، این مسأله گفته شده باشد! بنابراین شرط لازم نوآوری در محتوا این است که از ثمرات تحقیقات دیگران و از دیدگاه‌های ناظر به آن مسأله مطلع باشیم و از آنها بهره‌گیریم.

اما برای تحقق نوآوری چندگام را باید برداریم. این گام‌ها کاملاً بر هم مترتب‌اند و سیر منطقی دارند:

گام اول: جمع‌آوری داده‌ها

یک محقق حتی الامکان همه داده‌ها و اندیشه‌های موجود درباره مسأله را باید جمع کند؛

نکاتی که در این گام باید مورد توجه قرار گیرد عبارت است از:

۱. ارزیابی، سنجش، موضع‌گیری یا جهت‌گیری خاصی نسبت به اطلاعات موجود در این مرحله نباید انجام دهیم؛

۲. دغدغه تکراری بودن یا تداخل دیدگاه‌ها و داده‌ها را نداشته باشیم؛ مثلاً

نگویم این حرف فارابی همان حرف افلاطون است پس رهاش کن؛

۳. کاملاً بی‌طرفانه گردآوری کنیم؛ صرفاً به گردآوری درباره مسأله مورد نظر

تکیه کنیم؛ نگویم چون این سخن، از سوی فلان فقیه یا فلان فیلسوف یا فلان



اندیشمند است و چون من به هر دلیلی دل خوشی از او ندارم، پس آن را یادداشت نکنم.

۴. در کنار مطالعه دیدگاه‌های دیگران، محتویات ذهنی خودمان و چیزی را که درباره آن مسأله به ذهن می‌آید را گوشه‌ای یادداشت کنیم. بعداً برمی‌گردیم و در آن تأمل می‌کنیم؛ در این مرحله تأملی در این مسائل که به ذهن می‌رسد نمی‌کنیم. تا پیش از گردآوری کامل داده‌ها به نقد نمی‌پردازیم. زیرا ممکن است دیگران قوی‌تر از این نقدها را داشته باشند. فقط یادداشت می‌کنیم. این گام را بدون وسواس، انجام می‌دهیم و در آن توقف نمی‌کنیم.

گام دوم: ساماندهی داده‌ها

در این گام مباحث و اطلاعاتی را که ارتباط بیشتری با یکدیگر دارند کنار هم می‌آوریم؛ مثلاً تعریف مفاهیم را از اندیشمندان مختلف یکجا جمع می‌کنیم و به آنها نظم و نسق می‌دهیم؛ به عنوان مثال،

داده‌های مربوط به تعریف هنر را یک جا می‌آوریم؛

داده‌های مربوط به مؤلفه‌های هنر را یک جا می‌چینیم؛

داده‌های مربوط به آثار هنر را یک جا می‌آوریم؛

مکررات را در هم ادغام می‌کنیم؛

حتی الامکان مباحث اصلی و فرعی را تفکیک می‌کنیم؛ مسائل کلی و جزئی،

یا عام و خاص یا اصلی و فرعی را تفکیک می‌کنیم و سپس داده‌های خود را

فصل‌بندی می‌کنیم.

تمام تلاش خود را برای نقل بی‌طرفانه و تقریر دقیق دیدگاه‌های مطرح شده

درباره مسأله مورد نظر به کار می‌گیریم. خودمان را جای آن فرد می‌گذاریم و آن‌طور

تقریر می‌کنیم؛ حتی الامکان در این ساماندهی و نقل داده‌ها کاملاً بی‌طرف باشیم؛

**گام سوم: داوری عاطفی درباره دیدگاه‌های موجود**

تا اینجا نه نقد کرده‌ایم نه ارزیابی؛ فقط گردآوری و ساماندهی و ساختاردهی کرده‌ایم.

در گام سوم، به داوری عاطفی درباره دیدگاه‌های موجود می‌پردازیم. اینجا بی‌واهمه و بدون هیچ ترس و لرزی، هر گونه احساس و گرایش و اندیشه‌ای که درباره مسأله مورد بحث و آرا و انظار دیگران به ذهنمان می‌آید را یادداشت می‌کنیم و کد می‌زنیم؛ مثلاً به؛ عجب نظریه خوبی یا عجب نظریه بی‌خودی؛ یا این نظریه ما را به ناکجا آباد می‌کشاند؛ یا این حرف ریشه در الحاد یا سکولاریسم دارد؛ هر انگ و احساسی که دوست داریم به نظریات و دیدگاه‌ها می‌زنیم. امیدواری یا ناامیدواری نسبت به حل مسأله یا فایده‌مندی تلاش برای پاسخ را یادداشت کنیم؛ هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو.

اینجا نباید دغدغه مستدل بودن احساسات یا اندیشه‌های خود را داشته باشیم. غالباً در این مرحله ممکن است احساس بی‌فایده‌گی از پرداختن به مسأله را داشته باشیم. اما به هر حال یکی از راه‌های رهایی از تأثیر مستقیم پیش‌فرض‌ها و پیش‌داوری‌ها در مسأله، میدان‌دهی به همین احساسات و عواطف است.

در این مرحله به تعبیر برخی از نویسندگان نیاز به ایجاد «آشفته‌گی عمدی» داریم؛ اینجا خود را از بار عاطفی نسبت به این مسأله تخلیه می‌کنیم.

گام چهارم: غربالگری یا کشف کاستی‌ها

تا اینجا سه عینک زده بودیم؛ گام اول: عینک جستجوگری که مغناطیس وار همه چیز را جمع کردیم؛ گام دوم: عینک تنظیم و دسته‌بندی و ساختاردهی به داده‌ها؛ و گام سوم: عینک عواطف و احساسات. در گام چهارم عینک نقادی و غربالگری و کشف کاستی‌ها را بر چشم می‌زنیم.



تمام همتان این است که کاستی‌های دیدگاه‌های دیگران یا پاسخ‌هایی که در مرحله قبل به ذهن خودمان رسید را پیدا کنیم؛ مثلاً اینکه گفتیم این دیدگاه بی‌خود است به چه دلیل گفتیم؟ از کجا گفتیم؟ دلیل و شاهدش چیست؟

این نگاه نقادانه را باید هم به دیدگاه‌های دیگران و هم به احساسات و عواطف خود تسری دهیم. نقاط قوت و ضعف هر کدام را به دست آوریم. اینجا نقدها باید مستدل باشد و هرگز نباید جنبه عاطفی پیدا کند؛ حتی آن احساسات باید مستدلاً رد یا اثبات شوند.

گام پنجم: اندیشه درباره پاسخ‌های نو و حرف جدید

در این گام عینک‌های قبلی را کنار می‌گذاریم و عینکی جدید بر چشمان ذهن و عقل خود می‌زنیم؛ به اصل مسأله برمی‌گردیم و تأمل می‌کنیم که چطور می‌توانیم این مسأله را پاسخ بدهیم که انتظارات را برآورده کند و آن نقدهایی که بر پاسخ‌های دیگران وارد کرده‌ایم را نداشته باشد. اینجا به طراحی‌های خلاقانه و پاسخ‌های نو می‌اندیشیم.

دیدگاه ما باید به گونه‌ای باشد که ضمن برخورداری از نقاط مثبت دیدگاه‌های قبل، ضعف‌های آنها را نداشته باشد. معلوم است که کسانی می‌توانند در این مرحله موفق شوند که گام‌های قبلی را به خوبی برداشته باشند.



جمع‌بندی

- برای نوآوری در محتوا در هر سطحی چه مقاله چه پایان‌نامه چه رساله چه کار پژوهشی دیگر، باید گام‌های پنج‌گانه‌ای را به ترتیب و با دقت برداریم:
۱. گردآوری داده‌ها و دیدگاه‌ها؛
 ۲. ساماندهی داده‌ها؛
 ۳. داوری عاطفی و تخلیه روحی و روانی درباره داده‌ها و دیدگاه‌ها و اصل مسأله؛
 ۴. نقادی دیدگاه‌ها و پاسخ‌های دیگران و داوری‌های عاطفی و احساسی خودمان نسبت به مسأله؛
 ۵. تأمل و اندیشه در کشف پاسخی نو و کم‌اشکال یا بی‌اشکال.

منبع

- * قرآن کریم.
۱. نهج البلاغه.
 ۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ق، چاپ اول.
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ق؛ چاپ دوم.
 ۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق، چاپ دوم.
 ۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم؛ دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶ش، چاپ اول.
 ۶. خمینی، روح الله، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۹، چاپ پنجم.
 ۷. خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۹۴، چاپ پنجاه و نهم.
 ۸. کراجکی، محمد بن علی، کنزالفوائد، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰ق، چاپ اول.
 ۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیة، بیروت، تهران، ۱۴۰۷ق، چاپ چهارم.